

پایه‌های ایدئولوژی اسلامی در پرتو قرآن و سنت

بقلم :

علامه مجاهد استاد عبدالحمید بن بادیس رحمۃ اللہ علیہ

مترجم :

عبدالله حیدری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۵
قواعد پنج گانه اسلام.....	۹
مطالبی پیرامون پایه اول و آنچه بدان مربوط می شود:.....	۱۰
«بیان معنی اسلام».....	۱۹
«بیان معنی ایمان».....	۲۲
«حاصلی از آنچه که گذشت».....	۲۴
بیان معنی احسان.....	۳۱
«ایمان به خدا».....	۳۲
«عقیده اثبات و تنزیه».....	۳۷
«توحید علمی و عملی».....	۴۳
«ایمان به تقدیر».....	۵۲
«عمل به شریعت در پرتو ایمان به تقدیر».....	۵۳
«تقدیر با احتیاط».....	۵۵
«حکمت و عدالت در تقدیر».....	۵۶
«ایمان به فرشتگان».....	۵۶
«ایمان به کتاب های خداوند».....	۵۹
«خداوند از میان تمام کتب آسمانی فقط قرآن را حفاظت کرد».....	۶۰

- ۶۰..... «قرآن یگانه وسیله هدایت برای تمامی بشریت است»
- ۶۱..... ایمان به سنت ایمان به قرآن است
- ۶۳..... «ایمان به پیامبران علیهم الصلاة والسلام»
- ۶۶..... پشتیبانی خداوند از پیامبران با دلایل و معجزات
- ۶۸..... مرتبه عالی و کمال عبادت پیامبران
- ۷۰..... ادب با پیامبران علیهم السلام
- ۷۱..... «ختم نبوت و عمومیت آن»
- ۷۳..... ایمان به روز رستاخیز
- ۷۳..... پایان زندگی دنیوی و آغاز زندگی اخروی:
- ۷۴..... معاد و برانگیخته شدن بعد از مرگ
- ۷۷..... وزن کردن اعمال و پاداش بر آن
- ۷۹..... پل صراط
- ۷۹..... دار عذاب
- ۸۰..... بهشت یا دار نعمت‌ها

پیشگفتار

الحمد لله الذي خلق الخلق لعبادته وهداهم بالقرآن والرسول ﷺ إلى جنته ووعدهم بالتوحيد والأخلاق الحسنى وزيادته، و صلى الله على رسوله الهدى الذي بذل الجهد وأرشدنا إلى شريعته وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الذي نتطلع إلى شفاعته.

و بعد :

حمد و سپاس بی پایان پروردگاری را که به ما بندگان عاجز و ناتوان عقل و شعور عنایت فرمود تا به وسیله آن مصالح دنیا و آخرت خویش را تشخیص دهیم و بدانیم که این جهان پهناور با این نظام فوق العاده‌ای که خداوند بزرگ و توانا آفریده، عبث و بی‌فایده نیست، و ما انسان‌ها فقط برای آزمایش به اینجا آورده شده‌ایم تا پس از این زندگی کوتاه و موقت، به جهان دائمی و ابدی منتقل شویم و طبق اعمال نیک یا بدی که انجام داده‌ایم برای همیشه در بهشت یا دوزخ زندگی لامتناهی و ابدی خویش را آغاز کنیم.

پس کسانی که عاقلند و مصلحت خویش را می‌دانند از هم‌اکنون در پی آنند که پروردگارشان را از خود راضی کنند. زیرا که نجات از عذاب الهی و نیل به سعادت همیشگی جز با رضای پروردگار بزرگ، که یگانه مالک حقیقی و صاحب اختیار هر دو جهان است، ممکن نیست.

و خداوند متعال برای آنکه انسان بتواند رضای او را حاصل نماید شروط زیادی که معمولاً برآوردن آن برای همه کس دشوار باشد تعیین نکرده است بلکه بنابر لطف و کرم، و رحمت و شفقت بی‌پایانی که نسبت به بندگان دارد فقط دو شرط اساسی گذاشته که برای همگی اعم از زن و مرد و باسواد و بی‌سواد و پولدار و بی‌پول، حتی کران و کوران و لالان و لنگان نیز مقدور است.

اول اینکه دستورات و اوامر حیات‌بخش او را در تمامی ابعاد زندگی مخلصانه به جا آورند. و دوم اینکه این عمل مطابق با سنت و طریقه پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد ﷺ باشد.

اولین دستوری که از جانب پروردگار مهربان به وسیله پیامبران و رسولانش (علیهم الصلاة والسلام) متوجه انسان‌ها گردیده ایمان است، یعنی خدا را به یکتایی شناختن و پرستیدن و به فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبرانش و نیز به‌روز آخرت و قضاء و قدر و برانگیخته شدن بعد از مرگ ایمان آوردن.

زیرا که خداوند هیچ عمل و عبادتی را بدون ایمان نمی‌پذیرد، لذا تمام پیامبران و رسولان (علیهم الصلاة والسلام) مکلف بوده‌اند قبل از هر چیز انسان‌ها را بسوی ایمان بخوانند و آنقدر بر قلوب آنان کار کنند تا ایمان و یقین در دل‌ها محکم و راسخ گردد، بنابراین دیدیم که شاگردان صادق مکتب رسالت هنگامی که ایمان بر دل‌های آنان نقش بست و حلاوت آن را چشیدند چطور فولاد گونه در برابر کوره‌های آتش دشمنان خدا مقاومت کردند، و سرانجام نامشان برای همیشه بر سر لوحه تاریخ درخشید و باعث افتخار تمامی نسل‌های آینده بشریت گردید.

کتابی که اینک در دست دارید پیرامون همین موضوع است که استاد بزرگ و مجاهد نستوه علامه عبدالحمید بن بادیس جزائری -رحمة الله علیه- مطالب آن را در طی هشت ماه (از ۱۶ رجب ۱۳۵۳ تا ۵ صفر ۱۳۵۴ هجری قمری حدود ۶۶ سال پیش) هفته‌وار در جمع جوانان دانش‌آموزی که در کلاس‌هایش حاضر می‌شدند ایراد فرموده است، و سپس یکی از شاگردانش استاد محمدصالح رمضان در سال ۱۳۸۳ هجری قمری با اجازه علامه ابن بادیس رحمته مذکور را پاکتویس می‌کند تا اینکه بوسیله وزارت ارشاد الجزایر چاپ گردد و در دبیرستان‌های اسلامی که در آن هنگامی به جمعیت علمای الجزایر متعلق بود وزیر ارشاد اداره می‌شدند تدریس شود، که طبعاً نتایج بسیار خوشایندی در پی داشت.

و طولی نکشید که این کتاب در سراسر کشور الجزائر نه تنها در میان دانشجویان و جوانان، بلکه در میان تمامی اقشار ملت مسلمان و مجاهد آن کشور همچون نوری درخشید و در هر مجلسی خوانده شد و دست بدست گردید، سرانجام در نتیجه همین کلاس‌های عقیدتی و توجیه سلیم افکار عمومی مردم بوده ملت غیور و مسلمان الجزائر توانست با ایمان محکم و فولادین در مقابل استعمار خونخوار فرانسه جهاد و مبارزه کند و کشورش را از زیر یوغ ستمگران نجات بخشد. مبالغه نخواهد بود اگر بگویم کلاس‌های علامه مجاهد ابن بادیس ستون فقرات این مبارزه بشمار می‌رفت که این کتاب خلاصه‌ای از آن کلاس‌های ایمانی را برمی‌شمارد.

ویژگی خاص این کتاب اینست که صرفاً اصول اعتقادی و پایه‌های اصلی ایدئولوژی اسلامی را در بر گرفته و تمامی مطالب آن با آیات قرآن کریم و احادیث پرنور رسول گرامی ﷺ زینت یافته است و تقریباً هیچگونه مطلب اضافی‌ای در آن بچشم نمی‌خورد. و علاوه بر آن، مطالب کتاب در قالبی بسیار ساده و شیرین و بدور از پیچیده‌گی‌های فلسفیانه و یا اصطلاحات تند و زننده بیان گردیده است بگونه‌ای که خوانند را خسته و افسرده نمی‌کند.

بنابراین، بنده معتقدم جامعه اسلامی ما چه کشور عزیز خودمان و چه دیگر کشورهای همزبان، مانند افغانستان و تاجیکستان شدیداً به این شاهکار علامه ابن بادیس -رحمة الله علیه- نیاز دارند، و تردیدی ندارم که استقبال ملت مسلمان ما نیز از این کتاب کوچک کمتر از استقبال ملت مسلمان و مجاهد الجزائر نخواهد بود، کما اینکه امیدوارم مسئولین محترم حوزه‌ها و اساتید ارجمند، این کتاب را حتی‌الامکان در برنامه‌های درس‌شان بگنجانند، بویژه در کلاس‌های تابستانی از آن استفاده لازم را بعمل آورند همچنین از پدران محترم و اولیای امور خانواده‌ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی خواهش می‌شود که این کتاب را در جمع خانواده‌ها و دوستان و همکاران‌شان بخوانند، و توضیح دهند، تا باشد که همه با هم، با وحدت و همبستگی ملت مسلمان کشورمان و سایر مسلمین جهان

هرچه بیشتر و بهتر بتوانیم در پرتو اسلام عزیز و با الهام از قرآن و سنت در راه نیل به سعادت ابدی پیروزمندانه گام برداریم، و ریشه‌های درخت پربار ایمان را محکم‌تر کرده، و پایه‌های اعتقادی و ایدئولوژی اسلامی را در دل‌ها استحکام بیشتری ببخشیم.

در پایان از همه دوستانی که با مترجم همکاری نموده‌اند کمال تشکر و امتنان را دارم و أجرهم علی الله.

با آرزوی موفقیت برای اسلام و مسلمین در سراسر جهان.

مترجم

الحمد لله نحمده ونستعيه ونتوب إليه ونعوذ به من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له، ومن يضل فلا هادي له ونشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له ونشهد أن محمداً عبده ورسوله.

أما بعد: فإن أصدق الحديث كتاب الله وخير الهدي هدي محمد ﷺ وشر الأمور محدثاتها وكل بدعة ضلالة وكل ضلالة في النار.

حمد و سپاس مر خدای راست، او را ستایش می‌کنیم، و از او استعانت می‌جوئیم و به درگاه او توبه می‌کنیم و از شر نفس‌ها و اعمال بدمان به او پناه می‌جوئیم، کسی را که خدا هدایت دهد، هیچ نیرویی نمی‌تواند گمراهش کند، و کسی را که خدا گمراه کند هیچ قدرتی نمی‌تواند هدایتش نماید، گواهی می‌دهیم که جز ذات یگانه و لا شریک، معبود بر حقی نیست و گواهی می‌دهیم که محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست.

پس از ثناء و ستایش: حقا که راست‌ترین سخن‌ها کتاب خدا و بهترین هدایت، هدایت محمد ﷺ و بدترین کارها در دین همان است که تازه پدید آید، هر بدعتی گمراهی و هر گمراهی، جلب‌کننده بسوی آتش جهنم است.

قواعد پنج‌گانه اسلام

رسول خدا ﷺ فرمودند: «بني الإسلام على خمس: شهادة أن لا إله إلا الله وأن محمداً عبده ورسوله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة وصوم رمضان وحج البيت»^۱.

ت: «اسلام بر پنج پایه بنا شده است: (۱) گواهی دادن به اینکه جز خدای یگانه هیچ معبود برحق وجود ندارد. و محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست (۲) برپا داشتن نماز (۳) دادن زکات (۴) روزه ماه رمضان (۵) و حج خانه خدا».

۱- صحیح مسلم حدیث شماره «۱۶»

مطالبی پیرامون پایه اول و آنچه بدان مربوط می‌شود:

۱- برای هیچ احدی نزد خدا بجز داخل شدن در اسلام راه نجاتی وجود ندارد زیرا خداوند حکیم می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ﴾ [آل عمران: 85].

«کسی که جز اسلام دین دیگری برگزیند از وی پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیان‌کاران است».
و نیز فرمود:

﴿إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [البقرة: 132].

«براستی که خداوند دین را برای سعادت شما برگزیده پس مبدا بمیرید جز اینکه مسلمان باشید».

۲- اسلام دین بر حق آسمانی است که خداوند تمام پیامبران را جهت تبلیغ آن فرستاده است. چنانکه می‌فرماید:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ [آل عمران: 19].

«محققاً دین مقبول در نزد خدا اسلام است».

﴿مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [آل عمران: 67].

«حضرت ابراهیم علیه السلام نه یهودی بوده و نه نصرانی بلکه مسلمانی حنیف^۱ بوده و از مشرکان نبوده است».

﴿يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا﴾ [المائدة: 44].

۱- حنیف: به کسی گفته می‌شود که همواره از هر موجودی غیر از خدا روی گردان بوده و برای پرستش حرفاً به خدا روی می‌آورد مترجم.

«پیامبرانی به تورات (و دیگر کتب آسمانی) حکم می‌کنند که مسلمان بودند».

﴿وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصْرِيًّا تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١١١﴾ بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١١٢﴾﴾ [البقرة: 111-112].

گفتند: به بهشت داخل نشود مگر کسی که یهودی یا نصرانی باشد، این آرزوی باطل آنان است. بگو (ای پیامبر): چنانچه راستگو هستید دلیل خویش را بر این ادعا بیاورید. آری (بلکه به بهشت داخل می‌شود) کسی که نیت و عملش را برای خدا خالص گرداند در حالی که نیکوکارست پس پاداش وی نزد پروردگارش برای او محفوظ است نه بر آنان ترسی خواهد آمد و نه ایشان اندوهگین خواهند شد».

۳- و آنچه محمد ﷺ با خود آورده عبارت از همان دین اسلام است که برای هیچ کس جز داخل شدن در آن راه نجاتی وجود ندارد.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾﴾ [الأنعام: 162-163].

«بگو (ای پیامبر): همانا نماز و قربانی من و مرگ و زندگی من همه خالص برای خدای است که پروردگار جهانیان است. هیچ شریک و همتایی ندارد بهمین چیز امر شده‌ام و من اولین مسلمانم».

﴿فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعْتُ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ ءَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلْغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠﴾﴾ [آل عمران: 20].

«ای رسول ما، اگر با تو به چون و چرا برخاستند پس بگو: من خودم و پیروانم را به خدا سپرده‌ام. و به آنانی که کتاب داده شده‌اند و به امیین بگو: آیا اسلام را پذیرفتید؟ پس

اگر پذیرفتند برآستی که هدایت شده‌اند و اگر روگردانیدند جز این نیست که مسئولیت تو صرفاً تبلیغ است و خداوند بر احوال بندگان بیناست».

۴- هیچ‌کس نمی‌تواند عملاً در اسلام داخل شود مگر اینکه به پیامبر ﷺ ایمان داشته باشد زیرا خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ﴾ [النساء: 170].

«ای مردم، به تحقیق که پیامبر از جانب پروردگارتان برای شما حق آورده است، پس ایمان بیاورید که برای شما بهتر است».

﴿قُلْ يَتَأْتِيهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ [الأعراف: 158].

«ای مردم! من فرستاده خدا بسوی همه شما هستم، خدای که ملکیت آسمان‌ها و زمین از آن اوست، هیچ معبود بحقی جز او نیست، زنده می‌کند و می‌میراند. پس به خداوند و رسول او، آن پیامبر امی (درس ناخوانده‌ای) که به خداوند و کلمات او ایمان دارد، ایمان آورید و از او پیروی کنید، تا هدایت شوید».

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يَسْمَعُ فِي أَحَدٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَهُودِيٍّ أَوْ نَصْرَانِيٍّ ثُمَّ يَمُوتُ وَلَا يُؤْمِنُ بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَّا كَانَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ»^۱.

«قسم بذاتی که جان محمد در دست اوست، هیچ احدی از این امت چه یهودی و چه نصرانی باشد که پیرامون مبعوث شدن من بشنود آنگاه بمیرد و به آنچه من برای تبلیغ آن مأمور شده‌ام ایمان نیاورد مگر اینکه از اهل دوزخ خواهد بود».

۵- داخل شدن در اسلام و ایمان آوردن به پیامبر، با گواهی دادن به لا اله الا الله محمد رسول الله امکان‌پذیر است. زیرا رسول خدا ﷺ هنگامی که معاذ بن جبل را به

۱- صحیح مسلم حدیث شماره (۱۵۳).

یمن فرستاد به او فرمود: «إِنَّكَ تَأْتِي قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ. فَادْعُهُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ خُمُسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةً تُؤْخَذُ مِنْ أَعْيَانِهِمْ فَتَرُدُّ فِي فُقَرَائِهِمْ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَإِيَّاكَ وَكَرَائِمَ أَمْوَالِهِمْ وَاتَّقِ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ»^۱.

(تو نزد گروهی از اهل کتاب خواهی رفت، پس آنان را به گواهی دادن به اینکه جز خدای یگانه هیچ معبود برحق نیست و من رسول خدا هستم دعوت کن، اگر این را پذیرفتند پس آگاهشان کن که خداوند در شبانه‌روزی پنج وقت نماز بر آنان فرض گردانیده، اگر این را هم پذیرفتند آگاهشان کن که خداوند زکاتی بر آنان فرض گردانیده که از ثروتمندانشان گرفته می‌شود و به تنگ‌دستان‌شان بازگردانیده می‌شود اگر این را هم قبول کردند مبادا بر روی بهترین اموالشان دست بیندازی، و از دعای مظلوم بترس زیرا که بین دعای او و بین خدا پرده‌ای نیست).

۶- اولین واجب بر هر ملکف اعم از مسلمان بالغ و یا کافری که قصد دخول در اسلام را دارد این است که به مفهوم واقعی «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ محمد رسول الله» اقرار کند و ایمان بیاورد بدلیل حدیث حضرت معاذ بن جبل رضی الله عنه که گذشت، و بدلیل حدیث وفات ابی طالب که تفصیلش چنین است: هنگامی که وفات ابوطالب نزدیک شد رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد او آمده، ابوجهل و عبدالله بن ابی امیه را نیز آنجا یافت، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «يَا عَمَّ، قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، كَلِمَةً أَشْهَدُ لَكَ بِهَا عِنْدَ اللَّهِ». (ای عموجان، بگو لا اله الا الله، این سخنی است که بخاطر آن در نزد خداوند برایت گواهی خواهم داد). ابوجهل و عبدالله بن ابی امیه گفتند: ای ابو طالب، آیا از دین عبدالمطلب روی می‌گردانی؟! پیامبر صلی الله علیه و آله، همچنان دعوت را بر او عرضه می‌نمودند و هر بار آن دو نفر مزاحمت می‌کردند، تا اینکه

۱- صحیح مسلم حدیث شماره (۱۹).

بالاخره ابوطالب حرف آخرش را گفت که او بر دین عبدالمطلب است، و بدین ترتیب از گفتن لاله الا الله انکار نمود^۱. و بدلیل ارشاد رسول اکرم ﷺ که فرمودند: «أُمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَيُؤْمِنُوا بِي وَبِمَا جِئْتُ بِهِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّهَا وَحَسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ»^۲.

(امر کرده شدم با مردم بجنگم تا شهادت دهند که معبود برحق نیست جز خدا، و به من و رسالتی که آورده‌ام ایمان بیاورند پس اگر چنین کردند جان و مالشان از دست من سالم می‌ماند مگر به حق آن و حسابشان بر خدا است).

۷- تا زمانی که گوینده اصل معنای کلمه شهادت را نداند صرفاً گفتن آن کافی نیست بدلیل فرموده پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی که گذشت «أُمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَيُؤْمِنُوا بِي وَبِمَا جِئْتُ بِهِ».

۸- برای داخل شدن در اسلام کافی است مکلف کلمه یا جمله‌ای بر زبان آورد که به معنای کلمه شهادت دلالت داشته باشد، بدلیل حدیث بنی جذیمه که حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آن را چنین روایت می‌کنند: «پیامبر ﷺ خالد بن ولید رضی الله عنه را نزد بنی جذیمه فرستاد تا آنانرا بسوی اسلام فرا خواند، آن‌ها نتوانستند جمله اُسلمنا (یعنی اسلام آوردیم) را درست، تلفظ کنند لذا می‌گفتند: «صَبَأْنَا صَبَأَنَا» خالد شروع به کشتن و اسیر کردن آنان نمود، اسیر هر یک از ما را به خودش می‌سپرد، گفتم من که اسیرم را نمی‌کشم و هیچ‌یک از دوستانم اسیرانشان را نکشتند تا اینکه خدمت پیامبر ﷺ آمدم و جریان را بازگو نمودیم، حضرت دستانشان را بلند کردند و دوباره فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِمَّا صَنَعَ خَالِدٌ»^۳. (خدایا! من از این عمل خالد بیارگاہت اعلان بیزاری می‌کنم).^۱

۱- متفق علیه، [صحیح بخاری حدیث شماره (۱۲۹۴) و صحیح مسلم حدیث شماره (۲۴)].

۲- صحیح مسلم حدیث شماره (۲۱) بروایت ابی هریره رضی الله عنه.

۳- صحیح البخاری حدیث شماره ۷۱۸۹.

۱- حضرت خالد بن ولید س کسی که نه تنها شرف صحابی بودن را حاصل نموده بلکه رسول خدا ﷺ وی را سیف‌الله لقب دادند، حقا که او شمشیر برهنه‌ای از سوی خدا بر دشمنان اسلام و قرآن بود، او فرمانده‌ای بود که در تمام جنگ‌هایش هرگز شکست نخورد، او فتنه ارتداد را که توطئه‌ای خطرناک از سوی منافقین برای از بین بردن اسلام بود به شکست واداشت و رسوا نمود، او فاتح عراق و قهرمان یرموک بود، او کسی بود که، در جنگ‌هایش با فارس و روم دلاوری‌ها نمود و جانفشانی‌ها بخرج داد تاریخ قهرمانی بزرگتر از او نمی‌شناسد، در سال هشتم هجری وفاتش نزدیک شد با تأسف فرمود: حدوداً در صد جنگ شرکت کردم، جایی در بدنم نیست که به آن تیر اصابت نکرده یا ضربه شمشیری نخورده باشد، اما امروز بسیار متأسفم که مانند شتر در روی رختخوابم دارم می‌میرم. اعزام حضرت خالد س با سیصد و پنجاه نفر از مهاجرین و انصار بسوی قبیله بنی جذیمه بعد از فتح مکه و قبل از غزوه حنین بود.

ولی راجع به آنچه که در این حدیث بخاری آمده که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِمَّا صَنَعَ خَالِدٌ» و اینکه حضرت خالد چرا و با چه انگیزه‌ای این کار را کرد علماء می‌گویند، معنی کلمه «صبأنا» در اصطلاح آنروز این بود که کسی دین خودش را بگذارد و در دین دیگری داخل شود و لذا قریشی‌ها با مردم مکه به هر کسی که مسلمان می‌شد می‌گفتند: فلا صبأ یعنی فلانی بی‌دین شده است، یا دین خودش را رها کرده و به دین دیگری داخل شده است، بنی جذیمه هدفشان از گفتن کلمه «صبأنا» این بود که ما مسلمان شدیم چون‌که حضرت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما همین را فهمید که آنها حقیقتاً مقصودشان مسلمان شدن است، فلذا اسیرش را نکشت و به یارانش دستور داد که اسیرانشان را نکشند.

اما حضرت خالد از گفتن کلمه «صبأنا» که آنها تکرار کردند بنابر همان مفهوم معکوس که داشت این را نفهمید که آنها قصد داخل شدن در اسلام را دارند لذا با آنها جنگید تا با صراحت اسلام شان را اعلان کنند، و طبعاً حضرت خالد از نظر فقه و دانش و فهم و درک مسائل دینی واسرار و رموز آن مانند ابن عمر و دیگر فقهای صحابی نبود، لذا یک علتی که این مسأله از حضرت خالد پنهان ماند، همین بود، بنابراین چیزی که پیامبری صلی الله علیه و آله از حضرت خالد ناپسند دانستند بنابر قول امام خطابی تصمیم عجولانه خالد بود و اینکه تحقیق نکرد که مقصود آنها چیست؟ علماء و ائمه زیادی در این باره عذرهای واضح و شرعی برای خالد ذکر کرده‌اند، از جمله اینکه تصمیم حضرت خالد بنابر اجتهاد و تأویل وی بود، و دلیل بسیار روشنش هم این است که بعد از این واقعه هم حضرت خالد

۹- صرفاً گفتن شهادتین و فهم معنای آن بدون تصدیق کامل و اعتقاد راسخ کافی نیست، بدلیل این فرموده خداوند متعال که:

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾ [حمد: 19].

«پس به یقین بدان که جز خدای یگانه معبود برحق نیست».

و نیز این فرموده خداوند متعال:

﴿إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ﴾ [المنافقون: 1].

«هرگاه منافقان نزد تو آیند، گویند: گواهی می‌دهیم که البته تو رسول خدایی، و خدا می‌داند که حقیقتاً تو رسول خدا هستی و خداوند گواهی می‌دهد که منافقان دروغ گویند».

۱۰- برای آنکه شخصی در دایره اسلام داخل گردد این هم کافی است که به آنچه پیامبر ﷺ آورده و خبر داده یقین کند و در برابرش گردن نهد چنانکه در حدیث ضمام بن ثعلبه بروایت حضرت انس رضی الله عنه آمده است که فرمود: «در حالی که با پیامبر ﷺ در مسجد نشسته بودیم ناگهان مردی شترسوار ظاهر شد شترش را در مسجد خواباند و بست و سپس گفت: کدام یک از شما محمد است؟ گفتیم: همین مرد سفیدپوشی که تکیه کرده. گفت: ابن عبدالمطلب؟ پیامبر ﷺ فرمودند: بله، من فرزند عبدالمطلبم. گفت: می‌خواهم چیزی بپرسم، اگر لهجه‌ام تندتر بود از من ناراحت نشوی. فرمود: هر چه دوست داری بپرس. گفت: تو را به پروردگارت و پروردگار آنانی که قبل از تو بودند سوگند می‌دهم: آیا خداوند تو را بسوی همه مردم، پیامبر فرستاده است؟ فرمود: حتماً بله. گفت: تو را به خدا سوگند، آیا خداوند تو را امر کرده که هر سال این ماه رمضان را روزه بگیری؟ فرمود: حتماً بله. گفت: تو را به خدای بزرگ سوگند، آیا خداوند تو را امر کرده

همچنان از اعتماد فوق‌العاده‌ای در نزد پیامبر ﷺ برخوردار بود، لذا چندین بار دیگر نیز بعد از این جریان پیامبر ﷺ او را به فرماندهی لشکر گماشتند و به او مسئولیت دادند.

که این مال زکات را از ثروتمندان ما بگیری و در میان فقرای ما تقسیم کنی؟ فرمود: حتماً بله.

مرد گفت: به آنچه که آورده‌ای ایمان آوردم من نماینده قبیله‌ام هستم. من ضمام بن ثعلبه‌ام، از قبیله بنی سعد بن بکر^۱.

۱۱- علاوه بر تصدیق و اعتقاد راسخ همچنان بر مؤمن واجب است که عقل و فهم خود را در آیات خدا با دقت استعمال کند و تمامی دستورات اسلام را به اجراء درآورد و در این باره خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ أَنْظَرُوا مَاذَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ [یونس: 101].

«بگو بنگرید که در آسمان‌ها و زمین چیست».

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ﴾ [الطارق: 5].

«پس باید ببینید انسان که از چه چیزی آفریده شده است».

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾ [عبس: 24].

«پس باید بنگرد انسان به غذای خویش».

﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ [۱۷] ﴿وَالِى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ﴾ [۱۸] ﴿وَالِى الْجِبَالِ

كَيْفَ نُصِبَتْ﴾ [۱۹] ﴿وَالِى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ﴾ [الغاشية: 17-20].

«آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده، و به آسمان که چگونه برافراشته شده، و به کوه‌ها که چگونه نصب گردیده، و به زمین که چگونه هموار شده است».

۱۲- نگاهی که بر مکلف واجب است (انظروا ... فلینظر... أفلا ينظرون ...)،

همچنانکه در آیات گذشته ذکر شد شامل تفکر و تدبر است، بنابراین می‌فرماید:

﴿وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ﴾^۱

[التوبة: 6].

۱- متفق علیه.

«چنانچه مشرکی از تو پناه خواست پناهش بده، تا کلام خدا را بشنود سپس او را به جایگاه امنش برسان».

۱۳- اگر کسی شبهه‌ای برایش پیش آمد بر او واجب است که برای رفع آن اقدام نماید یا خودش جستجو کند یا از اهل علم بپرسد خداوند بزرگ می‌فرماید:

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ﴾ [البقرة: 23].

«اگر شما در آنچه ما بر بنده خویش نازل کرده‌ایم در شک هستید پس یک سوره‌ای مانند آن بیاورید».

﴿فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْأَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ﴾ [البقرة: 23].

«اگر در آنچه ما بر تو نازل کرده‌ایم شک و تردیدی داری پس از کسانی بپرس که قبل از تو کتاب می‌خواندند».

﴿فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: 43].

«پس اگر نمی‌دانید از علماء بپرسید».

۱۴- اگر کسی در دلش وسوسه‌ای هم پیدا شد باید به خدا پناه بجوید و بگوید:

«آمنت بالله ورسوله» به خدا و رسولش ایمان آوردم.

چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [فصلت: 36].

«اگر وسوسه‌کننده‌ای از جانب شیطان خواست تو را بفریبد به خدا پناه بجوی زیرا اوست شنوای دانا».

و در حدیث حضرت ابوهریره رضی الله عنه آورده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

۱- ظاهراً استدلال از این آیه چندان موجه نیست اما احتمال می‌رود که مقصود شنوایی آیات خدا به دیگران باشد تا در باره آن تفکر و تدبیر کنند. مترجم

«يَأْتِي الشَّيْطَانُ أَحَدَكُمْ فَيَقُولُ: مَنْ خَلَقَ كَذَا وَكَذَا؟ حَتَّى يَقُولَ لَهُ مَنْ خَلَقَ رَبَّكَ فَإِذَا بَلَغَ ذَلِكَ فَلَيْسَتَعُدُّ بِاللَّهِ وَلِيْنَتَهُ^۱. أَوْ مِنْ طَرِيقٍ آخَرَ: «فَلْيَقُلْ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ^۲». ممکن است شیطان پیش کسی از شما بیاید و بگوید: این را چه کسی آفریده؟ و آن را چه کسی آفریده؟ تا اینکه خواهد گفت: پروردگارت را چه کسی آفریده است؟ اگر کار به اینجا کشید باید به خدا پناه بجوید و بازایستد. و در روایت دیگری هست که باید بگوید: (بخدا و رسولش ایمان آوردم).

«بیان معنی اسلام»

۱۵- هرگاه در شریعت لفظ اسلام بکار برده شود مقصود دین کامل است که حضرت محمد ﷺ آن را آورده و شامل عقاید و عبادات و احکام می‌گردد.

چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ [آل عمران: ۱۹].

«براستی که دین پسندیده نزد خداوند اسلام است».

و نیز می‌فرماید:

﴿وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳].

«و اسلام را بعنوان دین برای شما پسندیدم..».

و نیز ارشاد رسول گرامی ﷺ که فرمودند: «بنی الإسلام علی خمس...» نص کامل حدیث با ترجمه‌اش گذشت.

۱۶- اسلام که عبارت از دین کامل الهی است، معنایش فروتنی و فرمانبرداری ظاهری و باطنی و اخلاص و صمیمیت برای خداوند است به دلیل این ارشاد خداوندی که می‌فرماید:

۱- متفق علیه.

۲- مسند أحمد.

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا﴾ [النساء: 125].

«چه کسی از روی دینداری بهتر از آن است که خودش را به خدا تسلیم کرده، در حالی که وی نیکوکار است و از دین حنیف ابراهیم پیروی می‌کند، و خداوند ابراهیم را خلیل خودش برگزیده است».

و نیز این فرموده پروردگار که:

﴿بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [البقرة: 112].

«آری کسی که خودش را تسلیم خدا کند در حالی که نیکوکار است پس پاداش وی نزد پروردگارش محفوظ است، این گروه نه ترسی بر آنان طاری می‌شود و نه ایشان غمگین می‌شوند».

و همچنین این فرموده الهی که:

﴿فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ﴾ [آل عمران: 20].

«پس بگو من خودم را تسلیم پروردگار کردم و کسانی که از من پیروی می‌کنند نیز چنین‌اند».

۱۷- دین سراسر انقیاد و فرمانبرداری، و اخلاص و یک‌سویی برای خداوند است به همین لحاظ اسلام نامیده شده است. قرآن کریم این حقیقت را چقدر جالب تصویر می‌کند:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ﴾ [البينة: 5].

«امر نشده‌اند مگر به اینکه خدا را پرستش کنند در حالی که هر عبادتی را صرفاً برای او اختصاص دهند و از باطل روی گردان بوده و به حق روی آورند، و نماز را بر پای دارند و زکات را ادا نمایند و این است دین مستقیم».

۱۸- اسلام در اصطلاح شریعت بمعنای اعمال ظاهری است که برحسب ظاهر دلالت بر انقیاد و فرمانبرداری می‌کند و اذعان و باوری که مبنی بر تصدیق کامل به آنچه در حدیث جبریل علیه السلام آمده نیز می‌آید چنانکه گذشت که جبریل علیه السلام فرمود: ای محمد، راجع به اسلام مرا خبر ده رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ وَتَصُومَ رَمَضَانَ وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»^۱ (اسلام این است که گواهی دهی بر اینکه معبود برحق جز خدای یگانه نیست و محمد صلی الله علیه و آله فرستاده اوست، و نماز را برپای داری، و زکات را ادا کنی و ماه رمضان را روزه بگیری، و چنانچه استطاعت داشته باشی حج کنی، جبرئیل فرمود: راست گفتی).

۱۹- اسلام به معنی تسلیم شدن، بدون تصدیق قلبی نیز می‌آید، که البته نفعی برای صاحبش ندارد، زیرا خداوند می‌فرماید:

﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَأَمَّا قُلٌّ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾ [الحجرات: 14].

«بادیه نشین‌ها گفتند: ایمان آوردیم، بگو: ایمان نیاوردید بلکه بگوئید: اسلام آوردیم زیرا هنوز ایمان در دل‌های شما داخل نشده است».

و در حدیث سعد ابن ابی وقاص رضی الله عنه آمده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله گروهی از مؤلفه‌القلوب را مال غنیمت دادند در حالی که سعد خودش با آنان نشسته بود گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن میان بعضی را که از نظر من بهتر از همه بود جا زدند. گفتم: ای رسول خدا! نظر شما در مورد فلانی چیست؟ من که او را مؤمن میدانم، رسول گرامی صلی الله علیه و آله

فرمودند: مؤمن یا مسلمان؟ اندکی سکوت کردم و سپس شناخت من از وی مرا آرام نگذاشت، گفتم: ای رسول خدا! نظر شما در مورد فلانی چیست؟ من که او را مؤمن می‌دانم، رسول خدا ﷺ فرمودند: مؤمن یا مسلمان؟ اندکی سکوت کردم باز شناخت من از او مرا آرام نگذاشت گفتم: ای رسول خدا! نظر شما در مورد فلانی چیست؟ من که بخدا او را مؤمن می‌دانم، رسول خدا ﷺ فرمودند: مؤمن یا مسلمان؟ آنگاه فرمودند: من به کسی که اینگونه مال و هدیه می‌دهم می‌خواهم دلش را بدست آورم چون می‌ترسم بر چهره‌اش به جهنم کشیده شود وگرنه می‌دانم که دیگران از نظر کیفیت ایمانی از او بهترند.^۱

«بیان معنی ایمان»

۲۰- ایمان در لغت بمعنای تصدیق و باور است. بدلیل ارشاد باری تعالی که «از زبان برادران حضرت یوسف (علیه السلام) می‌فرماید:

﴿وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ﴾ [یوسف: 17].

«تو گفته ما را باور نخواهی کرد گرچه ما راستگو باشیم».

۲۱- ایمان که بمعنای تصدیق جازم باشد محل و جایگاهش قلب است. بدلیل فرموده الهی:

﴿وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾ [الحجرات: 14].

«هنوز ایمان در دل‌های شما داخل نشده است».

و نیز:

﴿إِنَّمَا يَسْتَعِذُّكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ

يَتَرَدَّدُونَ﴾ [التوبة: 45].

۱- صحیح مسلم حدیث شماره (۱۵۰).

«جز این نیست کسانی برای نرفتن به جهاد از تو اجازه می‌گیرند که به خدا و روز قیامت ایمان ندارند، و دل‌هایشان در شک است پس آنان در شک خودشان سرگردانند.» و بدلیل حدیث ابوسعید خدری رضی الله عنه که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «يَدْخُلُ اللَّهُ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ، يَدْخُلُ مَنْ يَشَاءُ بِرَحْمَتِهِ، وَيَدْخُلُ أَهْلُ النَّارِ النَّارَ، ثُمَّ يَقُولُ: انْظُرُوا مَنْ وَجَدْتُمْ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ إِيْمَانٍ فَأَخْرِجُوهُ»^۱ (خداوند بهشتیان را به بهشت داخل می‌کند البته هر کس را او خواسته باشد و برحمت خودش در آن داخل می‌کند و دوزخیان را به دوزخ داخل می‌کند. آنگاه به فرشتگان دستور می‌دهد که: ببینید هر کس که ذره‌ای ایمان هم در قلبش یافتید، از دوزخ بیرونش کنید).

۲۲- لفظ «ایمان» در اصطلاح شریعت به معنای تصدیق جازم به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبرانش و روز رستاخیر، و قضاء و قدر الهی اعم از خیر و شر و تلخ و شیرین نیز می‌آید. و دلیلش این ارشاد خداوند متعال است که می‌فرماید:

﴿عَٰمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ۚ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَٰمَنَ بِاللّٰهِ وَمَلَٰئِكَتِهِ ۖ وَكُتُبِهِ ۖ وَرُسُلِهِ ۖ﴾ [البقرة: 285].

«پیامبر به آنچه که از جانب پروردگارش بر او نازل گردیده ایمان آورده است، و مؤمنان نیز همچنین، همه به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و رسولانش ایمان آوردند. و گفتند: در بین هیچ یک از پیامبران او فرقی نمی‌گذاریم، ایمان ما به همه آن‌ها یکسانست.» و نیز در حدیث جبرئیل علیه السلام که به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود، مرا از ایمان خبر ده. فرمودند: «أَنْ تُؤْمِنَ بِاللّٰهِ وَمَلَٰئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ، وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ وَحُلُوهِ وَمُرِّهِ» (اینکه به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبرانش ایمان داشته باشی و همچنین به تقدیر خداوندی اعم از خوب و بد و تلخ و شیرینش ایمان داشته باشی).

۱- متفق علیه.

۲۳- ایمان در اصطلاح شریعت به مفهوم اعمال ظاهری (اعم از اعمال و اقوال) مبنی بر تصدیق و یقین نیز آمده است. چنانکه در حدیث وفد عبدالقیس آمده که حضرت ابن عباس رضی الله عنه گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را امر کرد که به خدای یگانه ایمان بیاورند و فرمود: آیا می‌دانید ایمان چیست؟ گفتند: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. فرمود: گواهی دادن به اینکه معبود برحق جز خدای یگانه نیست. و محمد رسول خدا است. و بر پا داشتن نماز و پرداختن زکات و روزه ماه رمضان، و اینکه یک پنجم از مال غنیمت را بپردازند.^۱

۲۴- گاهی لفظ «اسلام» و لفظ «ایمان» هرکدام بجای یکدیگر بر اعتقاد جازم قلب، و اعمال ظاهره اعم از قول و فعل و غیره که مبنی بر آن اعتقاد باشد نیز استعمال شده است، چنانکه حدیث جبرئیل - در تفسیر اسلام - و حدیث وفد عبدالقیس - در تفسیر ایمان گذشت.

«حاصلی از آنچه که گذشت»

استعمال لفظ اسلام و ایمان هر یک بجای دیگری بر اعتقاد و اقرار و عمل.

۲۵- دین بطور کلی عبارت از اعتقاد به قلب و اقرار به زبان و عمل به جوارح ظاهری و باطنی است. و هر کدام از این سه، به اعتباری ایمان و به اعتباری دیگر اسلام نامیده می‌شود.

۱- پس اعتقاد به قلب ایمان نامیده می‌شود زیرا که تصدیق و باور است و اسلام نامیده می‌شود، چرا که اعتقاد قلبی به چیزی، اذعان و فروتنی و تسلیم در برابر اوست.

۲- نطق یا اقرار شهادتین با زبان ایمان نامیده می‌شود چونکه بر تصدیق دلالت دارد و اسلام نامیده می‌شود زیرا که بر فروتنی و فرمانبرداری دلالت دارد.

۱- متفق علیه.

۳- مثلاً زکات ایمان نامیده می‌شود چونکه مبنی بر تصدیق است و ثمره‌ای از ثمرات آن، و اسلام نامیده می‌شود زیرا که اذعان و انقیاد است. و محبت بخاطر خدا ایمان نامیده می‌شود چونکه مبنی بر تصدیق و ثمره‌ای از ثمرات آن است و اسلام نامیده می‌شود زیرا که اذعان و انقیاد است.

۲۶- ایمان در اصطلاح شرعی عبارت است از اقرار به زبان و تصدیق به قلب و عمل با جوارح، کسی که این هر سه را بجای آورد ایمانش تکمیل شده و گرنه ناقص است زیرا که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ﴾ [الأنفال: 2].

«جز این نیست که مؤمنون حقیقی کسانی‌اند که هرگاه یادى از خدا شود دل‌هایشان به ترس و لرز درآید».

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحجرات: 15].

«جز این نیست که مؤمنان حقیقی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آوردند و سپس شک ننمودند و با مال‌ها و جان‌هایشان در راه خدا جهاد کردند، این گروه همین‌هايند راستگویان».

رسول گرامی ﷺ فرمودند: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ»^۱ (هیچ یک از شما ایمانش کامل نمی‌گردد تا هنگامی که آنچه برای خود می‌پسندد برای برادر مسلمانش نیز بپسندد) و نیز فرمودند: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ وَوَلَدِهِ وَالتَّائِسِ أَجْمَعِينَ»^۲. (هیچ یک از شما ایمانش کامل نمی‌گردد تا وقتی که من در نزد وی از پدر و فرزندش و همه مردم محبوب‌تر نباشم).

۱- متفق علیه. به روایت ابوهریره ؓ.

۲- متفق علیه. به روایت انس ؓ.

«الْإِيمَانُ بِضْعٌ وَسَبْعُونَ أَوْ بِضْعٌ وَسِتُّونَ شُعْبَةً، فَأَفْضَلُهَا قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَدْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ وَالْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ»^۱.

(ایمان هفتاد و چند یا شصت و چند شاخه است که بهترین آن گفتن: لا اله الا الله و کمترین آن دور کردن موانع از سر راه است. و حیاء نیز شعبه‌ای از ایمان است).
۲۷- ایمان کم و زیاد می‌شود، با زیاد شدن اعمال نیک زیاد می‌شود و با کم شدن آن کم. خداوند می‌فرماید:

﴿وَإِذَا تُلِّيتَ عَلَيْهِمْ ءَايَتُهُ وَرَادَّتْهُمْ إِيْمَانًا﴾ [الأنفال: 2].

«هرگاه آیات خدا بر آنان خوانده شود ایمانشان را زیاد می‌کند».

و نیز می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ [آل عمران: 173].

«آنانی که منافقان به آنان گفتند: همانا مردم کافر بر علیه شما لشکر و نیرو جمع کرده‌اند پس از آنان بترسید، این سخن بر ایمانشان بیفزود، و گفتند: خدا برای ما کافی است و او بهترین کار ساز است».

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيَغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ»^۲.

(هر کس از شما امر ناپسندی را ببیند بر او لازم است که آن را با دستش تغییر دهد اگر نتوانست با زبانش و اگر نتوانست با قلبش، و این ضعیف‌ترین درجه ایمان است).

۲۸- تصدیق که اساسی‌ترین جزء ایمان است گاهی قوی و گاهی ضعیف می‌شود با نگاه کردن در آیات کونی و تدبیر نمودن در آیات سمعی و تقرب جستن به خدا و با

۱- متفق علیه. به روایت ابوهریره ؓ.

۲- متفق علیه. به روایت ابوسعید خدری ؓ.

عبادات مشروع قوی می‌شود و با عکس این‌ها ضعیف می‌گردد. خداوند متعال بنقل از ابراهیم علیه السلام می‌فرماید:

﴿وَلَكِنْ لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي﴾ [البقرة: 260].

«لیکن می‌خواهم که دلم آرام گیرد».

و نیز می‌فرماید:

﴿وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ﴾ [الأنعام: 75].

«همچنین ملکوت آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم نشان می‌دادیم تا از یقین‌کنندگان باشد».

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی که ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند فرمودند: «مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ، وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَغَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ وَمَنْ بَطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرَعْ بِهِ نَسَبُهُ»^۱.

(کسی که غمی را از مسلمانان دور کند خداوند در روز قیامت غمی را از او دور خواهد نمود. و کسی که بر تنگ دستی آسان بگیرد خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان خواهد گرفت، و خداوند همواره به بنده‌اش کمک خواهد نمود مادامی که بنده به برادر مسلمانان کمک کند، کسی که راهی برای جستجوی علم در پیش گیرد خداوند راهی را بسوی بهشت برایش آسان خواهد نمود. هیچگاه چنین نخواهد شد که عده‌ای از مردم در

۱- صحیح مسلم.

یکی از خانه‌های خدا جمع شوند و با یکدیگر به خواندن کتاب خدا مشغول شوند مگر اینکه بر دل‌های آنان سکون و آرامش فرود خواهد آمد و رحمت الهی آنان را خواهد پوشاند و فرشتگان بدور آنان حلقه خواهند زد، و خداوند آنان را جزو مقربین خودش خواهد شمرد. و بدانید که کسی که عملش او را عقب بیندازد و از قدرش بکاهد نسبش نمی‌تواند او را پیش بیندازد و ارزشش را زیاد کند).

در حدیث حضرت حنظله (سیدی علیه السلام) که از کاتبان رسول‌الله صلی الله علیه و آله بود، آمده است که گفت: یک‌روز هنگامی که حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه با من روبرو گردید فرمود: حنظله تو چطوری؟ گفتم: حنظله منافق شده است. فرمود: سبحان‌الله! این چه حرفی است؟! گفتم: همین، وقتی که پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله هستیم و با ما از بهشت و دوزخ صحبت می‌کند، گویا با چشم سر آنها را ببینیم اما وقتی که از مجلس آن حضرت صلی الله علیه و آله بیرون می‌آییم و با زنان و فرزندان و کار و کسب مشغول می‌شویم بسیاری چیزها را فراموش می‌کنیم. حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه فرمود: ما هم با همین مشکل روبرو هستیم. من و ابوبکر با هم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتیم، گفتم: ای رسول خدا، حنظله منافق شده، فرمود: مگر چه شده است؟ گفتم: ای رسول خدا، وقتی که ما پیش شما هستیم و ما را به یاد بهشت و دوزخ می‌اندازید گویا آنها را با چشمان خودمان می‌بینیم اما همین که از پیش شما بیرون می‌رویم و با زن و فرزند و کار و کسب خودمان مشغول می‌شویم بسیاری چیزها را فراموش می‌کنیم. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنْ لَوْ تَدْرُمُونَ عَلَى مَا تَكُونُونَ عِنْدِي وَفِي الذِّكْرِ لَصَافَحْتَكُمْ الْمَلَائِكَةُ عَلَى فُرُشِكُمْ وَفِي طُرُقِكُمْ وَلَكِنْ يَا حَنْظَلَةُ سَاعَةً وَسَاعَةً»^۱. (قسم بذاتی که جانم در دست اوست، اگر شما بر همان حالتی که پیش من هستید همیشه باقی بمانید و همواره به ذکر خدا مشغول باشید، فرشتگان

الهی در خوابگاه‌ها و بر سر راه‌ها با شما مصافحه خواهند کرد ولیکن ای حنظله، ساعتی این و ساعتی آن. سه مرتبه این جمله را تکرار فرمودند).

۲۹- کسی که ایمانش خالی از یقین باشد از زمره اهل ایمان خارج گردیده و جزو کافران بشمار می‌رود اگرچه کلمه بخواند و مانند مؤمنان عمل کند.

زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: 136].

«کسی که خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و رسولانش و روز رستاخیز را انکار کند به تحقیق که گمراه شده و از حق بسیار دور گردیده است».

و نیز می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ۝ أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ۝﴾ [النساء: 150-151].

«آنانی که از خدا و پیامبران منکر می‌شوند و می‌خواهند بین خدا و پیامبرانش در ایمان آوردن، فرق بگذارند می‌گویند: به بعضی ایمان می‌آوریم و بعضی دیگر را انکار می‌کنیم، و می‌خواهند در این میان راه دیگری انتخاب کنند. این گروه همین‌ها هستند کافران حقیقی و ما برای کافران عذابی رسواکننده آماده کرده‌ایم».

و نیز می‌فرماید:

﴿إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ ۝﴾ [المنافقون: 1].

«هرگاه منافقان نزد تو آیند خواهند گفت: گواهی می‌دهیم که برستی تو فرستاده خدایی و خدا می‌داند که تو حقیقتاً رسول خدایی و خداوند گواهی می‌دهد که منافقین دروغ‌گویند».

۳۰- کسی که از روی ضد و عناد از گفتن شهادت انکار کند، مؤمن بشمار نمی‌رود بلکه وی از کافران است، زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا﴾ [النمل: ۱۴].

«از روی ستمگری و تکبر آیات خدا را انکار کردند، در حالی که دل‌هایشان به آن متیقن بود».

۳۱- کسی که قلبش در مقابل آنچه از عقاید اسلام شناخته خاضع نشود و او را به عمل وادار نکند این علم بدون عمل، برایش مفید نبوده و صرفاً با این شناخت از جمله مسلمین بشمار نمی‌رود، زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۴۶].

«کسانی که به آنان کتاب دادیم پیامبر را چنان می‌شناسند که فرزندان‌شان را می‌شناسند. اما عده‌ای از آنان با اینکه می‌دانند حق را کتمان می‌کنند».

۳۲- کسی که اعمالش را ضایع کند از دایره ایمان خارج نمی‌شود. بدلیل این ارشاد خداوندی که می‌فرماید:

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا﴾ [الحجرات: ۹].

«و اگر دو گروه از مؤمنان با هم جنگیدند میان آنان صلح برقرار کنید».

و نیز بدلیل حدیث ابوبکره رضی الله عنه که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِذَا التَّقَى الْمُسْلِمَانِ بِسَيْفَيْهِمَا فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ»^۱ (هرگاه دو مسلمان بر یکدیگر شمشیر بکشند قاتل و مقتول هر دو در دوزخ خواهند بود، گفتم: ای رسول خدا، قاتل که معلوم است، مقتول چرا؟ فرمود: زیرا او نیز در پی کشتن رفیقش بود).

۳۳- هر کسی گناهی مرتکب شود تا وقتی که توبه نکند نافرمان بشمار می‌آید. زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَبْسُ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١١﴾﴾
[الحجرات: ۱۱].

«چقدر زشت است القاب بد نهادن. پس از ایمان، و هر که از فسق و گناه، توبه نکند پس ایشانند ستمگران».

و همچنین می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَنِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٦﴾﴾ [النور: ۴-۵].

«آنانی که به زنان با عفت مؤمنه نسبت بدکاری می‌دهند آنگاه چهار شاهد (عادل) بر دعوی خود نمی‌آورند، آنان را هشتاد تازیانه بزنید و دیگر هرگز شهادت‌شان را نپذیرید که مردمی فاسق و فاجر هستند مگر آنهایی که بعد از آن فسق و بهتان به درگاه خدا توبه کردند و در مقام اصلاح عمل خویش برآمدند (در این صورت از گناه آن‌ها در می‌گذرد) که یقیناً خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است».

بیان معنی احسان

۳۴- احسان در لغت: انجام دادن هر عمل نیکو را گویند.

و در اصطلاح شرعی: انجام دادن نیکی‌هاست، و نیکی عبارت است از انجام دادن واجبات و مستحبات و ترک محرمات و مکروهات و انجام دادن یا ندادن مباحات، با این باور و تصدیق که این اعمال ویژه خداوند است فلذا با این اخلاص، و استحضار و اعتقاد عمل می‌کند که خداوند هم اکنون دارد او را می‌بیند و از ظاهر و باطنش اطلاع دارد، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ [الكهف: 110].

«پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند!».

و نیز می‌فرماید:

﴿بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [البقرة: 112].

«آری، کسی که خودش را تسلیم پروردگار کند در حالی که نیکوکار است پاداشش نزد پروردگار محفوظ است. نه بر آنان ترسی خواهد آمد و نه آن‌ها غمگین خواهند گردید».

و نیز می‌فرماید:

﴿إِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [یوسف: 90].

«البته هر کسی که تقوا و صبر پیشه کند نیکوکار است، و خداوند اجر نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد».

و رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث جبرئیل علیه السلام احسان را چنین تعریف نمودند: «أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ».

(احسان این است که خدا را آنگونه پرستش کنی که گویا او را می‌بینی، اگر تو او را نمی‌بینی باور داشته باش که او تو را می‌بیند).

«ایمان به خدا»

۳۵- او اله بر حقی است که با قدرت و اختیار خودش وجود دارد، ذاتی که وجودش عدم نمی‌پذیرد پس او قدیم است، قدیمی که وجودش را آغازی نیست، و او همواره

باقی خواهد ماند، بقایای که وجودش را پایانی نیست. آن پروردگار با عظمت در باره خود چنین می‌فرماید:

﴿قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِى اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ [إبراهیم: 10].

«رسولان در جواب آنان گفتند: - در هر چه شک کنید - در باره خدا هم شک می‌کنید که آفریننده آسمان‌ها و زمین است؟!».

و نیز می‌فرماید:

﴿اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدِيرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ ﴿١﴾ وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَواسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلُ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢﴾ وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُّتَجَوِّرَاتٌ وَجَعَلْنَا مِنْ أَغْنَبٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنَوَاتٌ وَغَيْرُ صِنَوَاتٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِضْلُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٣﴾﴾ [الرعد: 2-4].

«خدا آن ذات توانائی است که آسمان‌ها را چنان که می‌بینید بی‌ستون برافراشت، آنگاه بر عرش خودش مستقر گردید، و خورشید و ماه را مسخر اراده خود ساخت که هر کدام در وقت خاص و در مدار معین به گردش درآیند، امر عالم را با نظامی محکم اداره می‌کند، و آیات قدرت‌ش را با دلایلی مفصل بیان می‌دارد تا شاید شما بندگان به ملاقات پروردگار خود یقین کنید. و اوست خدایی که بساط زمین را بگسترده و در آن کوه‌ها برافراشت و نهرها جاری نمود و از درختان هرگونه میوه پدید آورد، همه چیز را جفت آفرید، شب تار را با روز روشن بپوشانید. براستی که در این امور دلایل آشکاری بر قدرت آفریدگار است برای آنان که بیندیشند وجود دارد. و در زمین قطعاتی پهلوه به پهلوه است و باغهایی از انگور و کشتزار و نخلستان گوناگون، با آنکه همه از یک آب آبیاری می‌شوند بعضی را ما بر بعضی دیگر - به علت تفاوت طعم و لذتی که در آن گذاشتیم -

برتری دادیم. براستی که در این قدرت‌نمایی، دلایل واضحی برای علاقلان بر حکمت صانع وجود دارد».

همچنان می‌فرماید:

﴿قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾ [طه: 50].

«پروردگار ما آن ذات مقتدری است که همه موجودات عالم را نعمت وجود بخشیده و سپس به راه کمالش هدایت کرده است».

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الفاتحه: 2].

«ستایش آن خدایی راست که پروردگار جهانیان است».

و نیز فرمود:

﴿أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ﴾ [طه: 35] «أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصِيطِرُونَ﴾ [الطور: 35-37].

«آیا این خلق بدون خالق آفریده شده‌اند یا خودشان آفریدگار خودند؟! یا اینکه آسمان‌ها و زمین را هم این‌ها آفریدند؟! هرگز چنین نیست بلکه به یقین خدا را شناختند. آیا خزانه‌های - قدرت خدا - نزد آن‌هاست، یا خودشان قدرت سلطه‌ای دارند».

و نیز ارشاد باری تعالی است که:

﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [الحديد: 3].

«اول و آخر تمام هستی و پیدا و پنهان تمام وجود همه اوست و او به همه امور عالم، دانا است».

۳۶- او اله بر حقی است که قبل از همه موجودات وجود داشته است، در آغاز جز ذات یگانه‌اش هیچ مخلوقی وجود نداشت آنگاه با قدرت و اراده خویش هرچه خواست آفرید: لذا می‌فرماید: ﴿هُوَ الْأَوَّلُ﴾ «اوست اول».

﴿الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا﴾ [الفرقان: 59].

«آن خدایی که آسمان‌ها و زمین و هر چه در بین آنهاست آفرید».

﴿وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا﴾ [الفرقان: 2].

«همه موجودات را او خلق کرده است و به حکمت کامل و تقدیر ازلی‌اش حد و مقدار هر چیزی را معین فرموده است».

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾ [الحديد: 4].

«اوست خدایی که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید و سپس بر عرش مستقر گردید».

﴿قُلْ أَنتُمْ لَكُمْ عُقُوبٌ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَنْدَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ ۱ ﴿وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلنَّاسِ يَلِينَ﴾ ۲ ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ﴾ ۳ ﴿فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ [فصلت: 9-12].

«ای پیامبر، به مشرکان بگو که آیا براستی شما از آن خدایی که زمین را در دو روز آفرید منکر می‌شوید و برای او شریک و مانند می‌تراشید؟! پروردگار همه جهانیان است، و اوست که بر روی زمین کوه‌ها برافراشت و در آن انواع برکات نهاد، و ارزاق اهل زمین را برای نیازمندان چهار روز کامل مقدر و معین فرمود آنگاه بسوی آسمان که دودی بود متوجه گردید و به آسمان و زمین فرمود: ناگزیز بسوی فرمان و اطاعت حق بشتابید، چه با شوق و رغبت و چه با جبر و کراهت، گفتند: ما با کمال شوق و میل بسوی تو می‌شتابیم، آنگاه نظم هفت آسمان را در دو روز استوار فرمود و در هر آسمانی به نظم، امرش می‌فرمود، و آسمان (محسوس) دنیا را به چراغ‌های درخشان زینت بخشیدیم و نگهداشتیم این (نظام آسمان و زمین) تقدیر خدای مقتدر داناست».

۳۷- پس ذات کامل او از تمامی موجودات بی‌نیاز است، و همگی از آغاز تا پایان به

او محتاجند. لذا می‌فرماید:

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝١٥ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ۝١٦ وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ۝١٧﴾ [فاطر: 15-17].

«ای مردم، همه شما فقیر و محتاج خدائید. و خداوند ذاتی است بی‌نیاز و ستوده شده، اگر بخواهد همه شما را از بین می‌برد، و مخلوق جدیدی پدید می‌آورد، و چنین کاری هرگز بر خدای غالب، دشوار نیست».

﴿فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَفِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ۝﴾ [المائدة: 17].

«بگو: ای پیامبر، کدام سلطه می‌تواند کسی را از قهر و قدرت خدا حفظ کند اگر خدا بخواهد عیسی بن مریم و مادرش مریم و هر که در روی زمین است همه را هلاک کند؟».

﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأُمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۝٣١ فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ ۚ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ ۝٣٢﴾ [یونس: 31-32].

«- ای رسول ما- بگو: چه کسی از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد یا کیست که حاکم بر گوش و دیدگان است؟ و کیست آنکه از مرده زنده بیرون می‌آورد، و از زنده مرده، و کیست آنکه تدبیر می‌کند و نظام کائنات را می‌چرخاند. البته مشرکان خواهند گفت: خدای یکتاست، پس به آن‌ها بگو: آیا از خدا نمی‌ترسید (که با وجود دانستن با او شریک می‌آوردید) پس چنین خدای قادر و یکتایی محققاً پروردگار شماست، و بعد از بیان این راه حق و خداشناسی، جز گمراهی دیگر چیست؟ پس این راه حق را می‌گذارید و به کجا می‌روید؟».

﴿قُلْ أَغْنِيَ اللَّهُ عَنْكَ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ ۝﴾ [الأنعام: 14].

«بگو ای پیغمبر: کس دیگری را غیر از خدا دوست و یاور انتخاب کنم در صورتی که آفریننده آسمان‌ها و زمین تنها اوست، و هم اوست که روزی می‌دهد و خود از روزی بی‌نیاز است».

«عقیده اثبات و تنزیه»

۳۸- آنچه را پروردگار ما از ذات و صفات و اسماء و افعال برای خودش ثابت کرده و توسط پیامبر ﷺ به ما رسیده ما نیز آن را ثابت می‌کنیم، و به همین قدر اکتفا می‌نمائیم و چیزی بر آن نمی‌افزائیم. و در آنچه ثابت می‌کنیم، از هرگونه مماثلت و مشابهت وی به مخلوقاتش او را مبرا می‌دانیم. «نزول» و «استواء» و امثال آن را ثابت می‌کنیم و آنچنان‌که لایق ذات پاکش باشد بلا کیف به حقیقت این قبیل صفات ایمان داریم همچنان معتقدیم که آنچه از ظاهر این‌گونه صفات برداشت می‌شود مراد نیست. خداوند می‌فرماید:

﴿وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ﴾ [آل عمران: 28].

«و خداوند شما را از ذات خودش می‌ترساند».

﴿تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ﴾ [المائدة: 116].

«تو می‌دانی آنچه را که من در دل دارم و نمی‌دانم آنچه را که تو می‌دانی».

حضرت ابوهریره رضی الله عنه می‌فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله ده نفر را برای مأموریتی فرستادند - مشرکین بنی لحيان خیانت کردند و آنان را تحویل مشرکین قریش دادند. از جمله آن‌ها یکی حضرت خبیب رضی الله عنه بود - هنگامی که حضرت خبیب را از حرم مکه بیرون بردند تا بدار بکشند، خوشحالی کنان چنین سرود:

ولست أبالي حين أقتل مسلماً على أي جنب كان في الله مصرعي

وذلك في ذات الإله وإن يشأ يبارك على أوصال شلو ممزع

مادامی که مسلمان کشته می‌شوم و برای خشنودی او فدا می‌گردم هیچ باکی ندارم که بر کدام پهلوی بیفتم. این هم در اختیار ذات پروردگار است اگر بخواهد بر بندهای جدا

شده من برکت می‌اندازد. هنگامی که او و یارانش شهید شدند پیامبر ﷺ در همان روز توسط وحی اطلاع یافتند و بلافاصله خبر شهادت آنان را به صحابه اطلاع دادند.^۱ خداوند می‌فرماید:

﴿قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ﴾ [الإسراء: ۱۱۰].

«بگو ای پیامبر که خدا را به اسم «الله» یا به اسم «رحمن» به هر اسمی که بخوانید اسمای نیکو همه از آن اوست».

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ [الأعراف: ۱۸۰].

«خدا را نام‌های نیکو است او را بدانها بخوانید».

﴿الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ ۖ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ ۖ وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ ۖ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ﴾ [الأعلى: ۲-۵].

«خدایی که همه را خلق کرد و (در قالبی که می‌خواست) برابر نمود آن خدایی که هر چیز را قدر و اندازه‌ای داد و به راه کمالش هدایت نمود. آن خدایی که گیاه را سبز و خرم از زمین رویانید و آنگاه خشک و سیاه گردانید».

﴿فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ﴾ [البروج: ۱۶].

«هرچه بخواهد با کمال قدرت و اختیار انجام می‌دهد».

﴿وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ﴾ [النحل: ۷۳-۷۴].

«و می‌پرستند بجز خدا کسی را که نمی‌تواند برای ایشان چیزی روزی دادن از آسمان‌ها و زمین چیزی از توانائی و قادر نمی‌شوند. پس برای خداوند مثلها مزیند. به یقین خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید».

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱].

«آن خدای یکتا را هیچ مثل و مانندی نیست و او شنوا و بینا است».

۳۹- عقل ناقص بشر نمی‌تواند ذات و صفات و اسماء آن اله کامل را احاطه کند.

﴿وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ﴾ [البقرة: 255].

«و خلق عاجز به ذره‌ای از علم او احاطه نتواند کرد بجز چیزی که خود بخواهد».

و پیامبر بزرگ اسلام ﷺ در یکی از دعاهايشان می‌فرمایند: «لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ»^۱. (پروردگارا، آنچنان‌که تو لایق ثنایی و بر خویش ثنا گفته‌ای، من از حمد و ثنای تو عاجزم).

همچنان در دعای «کرب»^۲ می‌فرمایند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ مَاضٍ فِي حُكْمِكَ عَدْلٌ فِي قَضَائِكَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمِيَتْ بِهِ نَفْسُكَ أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتُ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رِبْعَ قَلْبِي وَنُورَ صَدْرِي وَجَلَاءَ حُزْنِي وَدَهَابَ هَمِّي وَعَمِّي»^۳.

(پروردگارا، من بنده تویم، فرزند بنده و کنیز تویم، اختیارم در دست توست، حکمت بر من نافذ است و قضاوتت در باره من عین عدالت، از تو به یکایک اسمایت که چه بر خود نهاده‌ای، یا در کتابت نازل کرده‌ای، یا کسی از مخلوقات را آموخته‌ای، و یا در علم غیب نزد خودت محفوظ داشته‌ای مسئلت دارم که قرآن را بهار قلب و نور سینه‌ام گردانی - آن دو را با آن صیقل دهی - و غم و پریشانی‌ام را با آن بزدایی).

۴۰- یکی از صفات او تعالی «حیات» است. می‌فرماید:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ [البقرة: 255].

۱- مسلم حدیث (۴۸۶) عائشه رضی الله عنها.

۲- کرب: یعنی غم و پریشانی.

۳- مجمع الزوائد حدیث شماره (۱۳۶/۱۰) و مسند امام احمد حدیث شماره (۳۷۱۲).

«خدا یکتاست، جز او معبود برحق نیست همیشه زنده و تدبیر کننده (امور کائنات) است».

﴿وَعَنْتَ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ﴾ [طه: 111].

«و چهره‌ها برای پروردگار همیشه زنده و تدبیر کننده زبون شوند».

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ﴾ [الفرقان: 58].

«و بر خدای زنده ابدی توکل کن که هرگز نمی‌میرد».

۴۱- دیگر از صفات او تعالی «قدرت» است، قدرت بر ایجاد کردن و از بین بردن هر ممکن.

﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [البقرة: 109].

«البته خداوند بر همه چیز تواناست».

﴿وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا﴾ [الكهف: 45].

«خداوند بر هر چیز اقتدار و تسلط کامل دارد».

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا﴾ [فاطر: 44].

«هیچ موجودی در آسمان و زمین - نمی‌تواند - خدا را عاجز کند زیرا که او بسیار دانا و - تواناست (و علم و قدرت او مطلق و لا محدود است)».

۴۲- یکی دیگر از صفات خداوند، اراده و مشیت مطلق‌اش در تمامی ممکنات است.

﴿فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ﴾ [البروج: 16].

«هر آنچه اراده کند بر انجام دادن آن تواناست».

﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾ [الإنسان: 30].

«هیچ خواست و اراده شما جامه عمل نتواند پوشید مگر اینکه خدا بخواهد».

۴۳- یکی دیگر صفات آن ذات با عظمت «علم» است که تمامی معلومات اعم از واجب و ممکن و محال را برای وی منکشف می‌گرداند. حالت همه را با همه تحولاتی که بر آنان خواهد آمد می‌داند» آشکار و پنهان در نزد او یکسانست. می‌فرماید:

﴿وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۝﴾ [الأحزاب: 40].

«خداوند همیشه بر همه چیز دانا است».

﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ۝﴾ [الملك: 14].

«آیا نمی‌داند آنکه آفریده است، در حالی که تنها اوست باریک‌بین خبر دار».

﴿رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

۝﴾ [إبراهيم: 38].

«پروردگارا، براستی که تو می‌دانی هرآنچه ما پنهان کنیم یا آشکار، (زیرا که تو خدایی)

و بر خدا چیزی در آسمان و زمین پوشیده نمی‌ماند».

۴۴- دیگر از صفات پروردگار «سمع» است، شنوایی، که با آن هرآنچه شنیدنی است می‌شنود.

۴۵- دیگری «بصر» است، بینایی، که همه دیدنی‌ها را با آن می‌بیند. می‌فرماید:

﴿وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ۝﴾ [النساء: 134].

«و خداوند همیشه بر همه چیز شنوا و بیناست».

﴿قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ ۝﴾ [المجادلة: 1].

«ای رسول ما - محققاً خداوند سخن آن زنی را شنید که در باره شوهرش با تو به

مجادله بر خواسته و از او نزد خدا شکوه می‌کرد».

در حدیث ابی موسی اشعری رضی الله عنه آمده است که گفت: با پیامبر صلی الله علیه و آله در سفری بودیم،

هرگاه جای بلندی می‌رسیدیم (به آواز بلند) تکبیر می‌گفتیم فرمود: «أَرْبَعُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ

فَإِنَّكُمْ لَا تَدْعُونَ أَصَمَّ وَلَا غَائِبًا [بَلْ] تَدْعُونَ سَمِيعًا بَصِيرًا قَرِيبًا^۱. (بر نفس‌های خودتان رحم کنید. زیرا شما کسی را نمی‌خوانید که کر باشد یا غائب، بلکه ذاتی را می‌خوانید، که بسیار شنوا و بیناست و به شما نزدیک است).

۴۶- از صفات دیگر او تعالی «کلام» است (سخن گفتن) که بر همه معلومات دلالت دارد.

﴿وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾ [النساء: 164].

«خداوند با موسی - پیامبر - آشکارا سخن گفت».

۴۷- خداوند در ذات و صفات و افعالش یکتاست.

او در ذات خودش	ثانی و شریک و مانند ندارد
او در أسماء خود	ثانی و شریک و مانند ندارد
در صفات خود	ثانی و شریک و مانند ندارد
در افعال خود	ثانی و شریک و مانند ندارد

زیرا که می‌فرماید:

﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾ [الأنبياء: 22].

«اگر در آسمان و زمین غیر از خدای یکتا معبودان دیگری می‌بود، بدون شک نظام آن‌ها مختل می‌گردید پس خداوند مالک عرش، از آنچه مشرکان و جاهلان به او نسبت می‌دهند پاک و منزّه است».

﴿هَلْ مِنْ خَلْقٍ غَيْرِ اللَّهِ﴾ [فاطر: 3].

«آیا غیر از خدا خالق دیگری هست؟»

﴿هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا﴾ [مریم: 65].

«آیا - با همین صفات و کمالات - همانم دیگری برای او سراغ داری».

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾ [الشوری: ۱۱].

«هیچ چیزی مانند آن خدای یکتا نیست».

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝﴾

[الإخلاص].

«ای پیامبر ما، بگو: او خدای یکتاست، خدایی که از همه عالم بی‌نیاز است، و همه عالم به او نیازمندند. نه کسی فرزند اوست و نه او فرزند کسی، و نه هیچکس مثل و مانند و همتای اوست».

«توحید علمی و عملی»

۴۸- توحید دو جنبه دارد علمی و عملی: توحید علمی عبارت است از اعتقاد داشتن به وحدانیت خداوند، توحید عملی خالص کردن تمامی عبادت‌ها صرفاً برای او، این یک امر مسلم است که - هیچ کس - بدون این دو نمی‌تواند مسلمان باشد پس مثال توحید علمی سوره اخلاص است:

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝﴾

[الإخلاص].

«بگو - ای رسول - او خدای یکتاست خدایی که از همه عالم بی‌نیاز است، و همه عالم به او نیازمندند. نه کسی فرزند اوست و نه او فرزند کسی، و نه هیچکس مثل و مانند و همتای اوست».

و مثال توحید علمی سوره کافرون:

﴿قُلْ يَتَّيِّهَا الْكَافِرُونَ ۝ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ۝ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۝ وَلَا

أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ ۝ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۝ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ۝﴾

[الکافرون].

«ای رسول ما، به کافران بگو: ای کافران مشرک من آن بتهایی را که شما می‌پرستید هرگز نمی‌پرستم و شما هم آن خدای یکتایی که من پرستش می‌کنم پرستش نمی‌کنید، نه من هرگز خدایان باطل شما را عبادت می‌کنم و نه شما آن معبود یکتای مرا عبادت خواهید کرد. پس دین - شرک و جهالت - شما برای شما - و دین - توحید و یکتاپرستی - من برای خودم (مبارک) باشد».

۴۹- از انواع توحید، باری تعالی یکی توحید ربوبیت است، و آن عبارت از اعتقاد راسخ و علم یقین بر این امر است که جز ذات یگانه او هیچ خالق و مدبر و متصرفی برای کائنات وجود ندارد. لذا می‌فرماید:

﴿هَلْ مِنْ خَلْقٍ غَيْرِ اللَّهِ﴾ [فاطر: 3].

«آیا غیر از خدای یگانه خالق دیگری هست».

﴿أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ﴾ [الأعراف: 54].

«آگاه باشید که آفرینش و فرمانروایی خاصه اوست».

﴿يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ﴾ [السجدة: 5].

«تمام امر عالم را از آسمان تا زمین - به نحو احسن و اکمل - تدبیر و برنامه‌ریزی می‌کند».

رسول گرامی ﷺ می‌فرماید: «لَا مَانِعَ لِمَا أُعْطِيَ وَلَا مُعْطَى لِمَا مَنَعَتْ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجُدِّ مِنْكَ الْجُدُّ»^۱. (پروردگارا، آنچه تو عطا کنی کسی نیست که آن را باز دارد. و آنچه را تو باز داری قدرتی نیست که عطا کند، و تا تو کسی را یاری نکنی و چیزی به او نبخشی هرگونه تلاش و کوشش بی‌فایده است).

۱- صحیح مسلم حدیث شماره (۴۷۸).

۵۰- یکی دیگر از انواع توحید، الوهیت است. و آن عبارت از داشتن اعتقاد راسخ و علم یقین بر این واقعیت است که مستحق هرگونه عبادات و نیایش صرفاً ذات یگانه اوست، و هرگونه کرنش و عاجزی و راز و نیاز ویژه اوست، چقدر جالب می‌فرماید:

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ [الأنبياء: 25].

«به غیر از من معبود برحق نیست پس مرا پرستش کنید».

﴿إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [الأنعام: 79].

«(من در حالی که از باطل روی گردانم)، روی بسوی پروردگاری آورده‌ام که آسمان‌ها و زمین را آفریده است، و من از جمله مشرکان نیستم».

﴿قُلْ إِن صَّلَاتِي وَنُفْسِي وَحَيَاتِي وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأنعام: 162-163].

«بگو - ای پیامبر-: همانا نماز و قربانی من، و مرگ و زندگی من، همه خالص برای خدایی‌ست که پروردگار جهانیان است، هیچ شریک و همتای ندارد به همین امر شده‌ام، و من اولین مسلمانم».

و حضرت رسول گرامی ﷺ فرمودند: «إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ وَإِذَا اسْتَعَنْتْ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ»^۱ (هرگاه خواستی چیزی بطلبی از خدا بطلب، و هرگاه خواستی استعانت و مدد بجویی از خدا بجوی).

۵۱- یکتا بودن خداوند در ربوبیت مستلزم این است که در الوهیت نیز یکتا باشد، خدایی که آفریننده و رازق است، خدایی که عطا کننده و بازدارنده است، خدایی که دفع کننده مضرت و جلب کننده منفعت است، چنین خدایی را باید پرستید، عبادت و نیایش که کمال تذلل و فروتنی، عجز و انکساری، و فقر و محتاجی را می‌رساند ویژه معبودی

۱- سنن ترمذی حدیث شماره (۲۰۴۳).

است که غالب و بی‌نیاز و قادر و بخشنده، چقدر دلنشین است کلام ملکوتی‌اش آنجا که می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾﴾ [البقرة: 21-22].

«ای مردم، پروردگارتان را پرستش کنید آنکه شما و گذشتگانتان را آفرید، تا اینکه پرهیزگار شوید. آن خدایی که زمین را برایتان گسترد و آسمان را برافراشت، و از آسمان آبی فروبارید که بوسیله آن برای روزی شما هرگونه میوه‌جات از زمین بیرون آورد. پس برای خدا شریک و هم‌تا نتراشید در صورتی که می‌دانید او از هرگونه شریک و همتایی بی‌نیاز است».

و نیز این فرموده‌اش که:

﴿قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ ۚ ءَاللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾ أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ دَاتٍ بِهَجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُثْبِتُوا شَجَرَهَا ۚ ءَاللَّهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ﴿٦٠﴾ أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِي وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ۚ ءَاللَّهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۚ ءَاللَّهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلِ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۚ ءَاللَّهُ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٣﴾ أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۚ ءَاللَّهُ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَانُوا بَرَهْنَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦٤﴾﴾ [النمل: 59-64].

«بگو: ستایش ویژه پروردگار است. سلام مخصوص بر بندگان برگزیده خدا. آیا خدای قادر، بیشتر سزاوار پرستش است، با آنچه که آنان با خدا شریک می‌گردانند. آیا

ذاتی که آسمان‌ها و زمین را آفریده و از آسمان برای شما آب نازل فرموده که با آن باغهای تر و تازه‌ای می‌رویانیم. شما توان رویانیده درختان آن را ندارید. آیا با خدای یکتا معبود دیگری هست؟ بلکه آن‌ها گروهی‌اند که از حق منحرف می‌شوند. آیا جز خدایی که زمین را مسخر گردانید و در آن نهرها جاری فرمود، و کوه‌هایی را در آن میخ کرد و در میان دو دریای (شور و شیرین) مانع ایجاد کرد (تا به یکدیگر مخلوط نشوند) اله دیگری با خدا هست؟ بلکه بیشتر آنان نمی‌دانند. آیا جز خدایی که هرگاه مضطر و بیچاره‌ای او را بخواند فریادش را اجابت می‌کند و غم و پریشانی را دور می‌گرداند و شما مؤمنان را جانشینان زمین قرار می‌دهد، معبود دیگری با خدا هست؟ بلکه اندک‌اند کسانی که پند می‌پذیرند. آیا جز خدایی که در تاریکی‌های خشکی و دریا شما را راهنمایی می‌کند و پیش از نزول باران رحمتش، بادهای را مژده دهنده می‌فرستد معبود دیگری با خدا هست؟ خداوند برتر است از آنچه که مشرکان با او شریک می‌گردانند. آیا جز خدایی که خلق را ابتدا می‌آفریند سپس بسوی خودش باز می‌گرداند و آنکه شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد معبود دیگری با خدا هست؟ بگو: ای پیامبر، اگر راستگو هستید دلیل و برهاتان را بیاورید».

۵۲- دیگر از انواع توحید خداوند «توحید تشریعی» است، یعنی هیچ حاکم حقیقی و هیچ حلال کننده و حرام کننده‌ای جز ذات یکتای پروردگار نیست. زیرا او تعالی می‌فرماید:

﴿أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ﴾ [الأعراف: 54].

«خبر دار که آفرینش و فرمانروایی خاصه اوست».

﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾ [الأنعام: 57].

«نیست حکومت و فرمانروایی مطلق مگر برای خداوند».

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَلٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ﴾ [النحل: 116].

«هر دروغی - که بر زبانتان آمد مگویید این حلال و این حرام است تا بر خدا دروغ ببندید».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ [المائدة: 87].

«ای اهل ایمان، آن چیزهای پاکیزه‌ای را که خداوند برای شما حلال کرده حرام نکنید و از حد نگذرید. زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد».

﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾ [الأنعام: 140].

«به تحقیق زیانبار شدند آنانی که فرزندان خود را از روی نادانی بدون علم کشتند، و آنچه را ما به آنان روزی دادیم حرام قرار دادند. این افتراپی است بر خدا، به تحقیق که گمراه شدند و نبودند هدایت شونده‌گان».

﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ﴾ [الشوری: 21].
«آیا آنان شرکایی دارند که آنچه از دین که خداوند اجازه مشروعیت آن را نداده برایشان مشروع کنند».

﴿وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ﴾ [الشوری: 10].

«و هر آن چیزی که شما در آن اختلاف می‌کنید حکم آن نزد خداوند موجود است».
﴿فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [النساء: 59].

«چنانچه در امری نزاع و اختلاف کردید اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارید آن را به خدا و پیامبر راجع کنید زیرا که این بهتر است و از نگاه عاقبت نیکوتر».

۵۳- و از جمله توحید باریتعالی در ربوبیتش: اعتقاد به این امر است که انسان همچنان‌که ذات و صفات خود را نیافریده افعال و کردارش را نیز نمی‌آفریند این مخلوق

عاجز سرتاپا آفریده پروردگار است بشمول ذات و صفات و افعال و غیره آنچه انسان در اختیار دارد، این است که ظهور این افعال بدست وی صورت می‌گیرد، بدین جهت این اعمال متعلق به او بوده و او از آن‌ها مسئول است و در قبال آن‌ها محاسبه می‌شود، گویا انجام گرفتن این افعال توسط او کسب و درآمد اوست، پس بنابراین، بنده عامل و کاسب نامیده می‌شود و نه خالق:

﴿هَلْ مِنْ خَلْقٍ غَيْرِ اللَّهِ﴾ [فاطر: 3].

«آیا غیر از خدا خالق دیگری هست».

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾﴾

[الزلزلة: 7-8].

«پس هر کس ذره‌ای کار خیر انجام دهد، پاداش آن را می‌بیند و هر کس ذره‌ای کار شر انجام دهد پاداش آن را خواهد دید».

۵۴- دیگر از جمله توحید باری تعالی در ربوبیتش: اعتقاد داشتن به این امر است که بنده در تمامی اعمال و کردارش از خواست و مشیت پروردگار بیرون نمی‌رود، چیزی که هست اینکه خداوند نوعی اراده و اختیار به او سپرده که در حین انجام هر کاری آن را در خودش احساس می‌کند اما بهر حال تابع خواست و مشیت خداوندست، چقدر زیباست کلام پاکش که می‌فرماید:

﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٣٠﴾﴾ [الإنسان: 30].

«و نمی‌خواهید شما مگر آنچه را که خدا بخواهد زیرا خداوند دانای با حکمت است».

﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٩﴾﴾ [التکویر: 29].

«و نمی‌خواهید شما مگر اینکه خدا بخواهد پروردگار عالمیان».

﴿وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا

لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾ [الأنعام: 111].

«اگرچه ما فرشتگان را به سوی آنان می‌فرستادیم و حتی اگر مرده‌ها با آنان به سخن درمی‌آمدند و اگر همه آنچه را طلب کنند برایشان حاضر کنیم باز ایمان نخواهند آورد مگر آنکه خدا بخواهد».

﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَن فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا﴾ [یونس: 99].

«البته اگر پروردگار تو بخواهد همه کسانی که در روی زمین هستند ایمان خواهند آورد».

﴿فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْيُكْفُرْ﴾ [الکھف: 29].

«پس هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد و هر کس می‌خواهد کافر شود».

۵۵- همچنان از جمله توحید پروردگار در ربوبیتش: اعتقاد به این امر است که بنده غیب نمی‌داند، حتی با تحقیق و جستجو هم ممکن نیست به چیزی از آن (بدون اسباب که در آن صورت غیب نیست) دست یابد، هیچ چیزی از اینگونه امور غیبی^۱ و پنهانی جز آنچه در قرآن و اخبار صحیحہ ثابت شده درک نمی‌شود و آنچه از امور غیبی با نص صحیح ثابت شده بدون کم و کاست باید به آن ایمان آورد مانند فرشتگان و جنات و بهشت و دوزخ و عرش و صراط و میزان و غیره. در این باره خداوند بزرگ و دانا می‌فرماید:

﴿عَلِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا﴾ ۲۶ ﴿إِلَّا مَن أَرْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا﴾ ۲۷ ﴿لِّيَعْلَمَ أَن قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا﴾ ۲۸ ﴿[الجن: 26-28].

«دانای غیب است پس کسی را بر غیب خودش مطلع نمی‌گرداند. مگر رسولی که بدان راضی شود که در این صورت فرشتگانی را به عنوان نگهبان از پیش رو و پشت سر

۱- غیب مر آنچیزی را گویند که از حواس پنج‌گانه انسان پنهان بوده و به هیچ وسیله‌ای درک نشود. (مترجم)

خواهد فرستاد تا آشکار کند که آنان رسالت پروردگارشان را ابلاغ کردند. و او بر هر آنچه آنان در اختیار دارند آگاه است و هر چیزی را از روی حساب و شمارش می‌داند.

﴿قَالُوا سُبْحَنَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا﴾ [البقرة: 32].

«گفتند: پروردگارا! تو پاک هستی ما را علمی نیست مگر آنچه تو به ما آموختی».

﴿وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ﴾ [هود: 31].

«من به شما نمی‌گویم که خزائن خدا در نزد من است و نه غیب می‌دانم».

﴿وَلَوْ كُنْتَ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتَ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ﴾ [الأعراف: 188].

«اگر غیب می‌دانستم حتماً برای خودم خیر زیادی جمع می‌کردم و به من گزند سوئی نمی‌رسید».

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ

مَسْئُولًا﴾ [الإسراء: 36].

«آنچه را نمی‌دانی از دهان بیرون نینداز، زیرا گوش و چشم و دل از همه این‌ها سؤال خواهد شد».

﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ﴾ [الأنعام: 59].

«کلیدهای غیب صرفاً در دست خداست جز او هیچ کسی آن‌ها را نمی‌داند».

﴿عَلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ﴾ [الحشر: 22].

«داننده غیب و آشکار است».

﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْلَمُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ [الملك: 26].

«بگو جز این نیست که علم حقیقی فقط نزد خداست».

﴿تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ﴾ [المائدة: 116].

«آنچه من در سینه دارم تو می‌دانی و من هیچ راز تو را نمی‌دانم».

«ایمان به تقدیر»

۵۶- تقدیر از ماده «قَدَر» گرفته شده که در لغت بمعنی احاطه داشتن به مقدار چیزی است گویند: «قَدَرْتُ الشَّيْءَ أَقْدَرَهُ قَدْرًا» آنگاه که مقدار آن را بدانی. و قدر یا تقدیر الهی عبارت از تعلق علم و اراده‌ی پروردگار به تمامی کائنات قبل از پیدایش است، و اینکه هیچ حادثه‌ای اتفاق نمی‌افتد مگر آنکه در تقدیر نوشته شده است، یعنی قبلاً علم خداوند آن را احاطه کرد و اراده‌اش به آن سبقت گرفته است. پس هر حادثه‌ای با علم و اراده‌ی قبلی پروردگار صورت می‌گیرد. چنانکه می‌فرماید:

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾ [القمر: 49].

«براستی که هر چیزی را ما به اندازه‌ی معین آفریده‌ایم».

﴿وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا﴾ [الأحزاب: 38].

«و امر خدا تقدیری است معین».

و پیامبر خدا ﷺ در حدیث جبرئیل می‌فرماید: «وَتُؤْمِنُ بِالْقَدَرِ خَيْرُهُ وَشَرُّهُ وَحُلُوهُ وَمُرُّهُ»^۱. (و اینکه به تقدیر ایمان بیاوری به خوب و بد و تلخ و شیرینش).

۵۷- همچنان که وجود همه‌ی عالم قبل از آفرینش در تقدیر الهی مسبوق است سرنوشت عالم نیز قبل از اینکه پروردگار آن را بیافریند در لوح محفوظ نوشته است. زیرا می‌فرماید:

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ [الحديد: ۲۲-۲۳].

«هر مصیبتی که در زمین و نفس‌هایتان به شما می‌رسد پیش از آنکه آن‌ها را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت شده است، براستی که این امر بر خدا آسان است، تا اینکه بر آنچه

۱- صحیح مسلم حدیث شماره (۱۸).

از دست دادید غمگین نشوید و به آنچه پروردگار به شما داده خوشحال نگردید و خداوند دوست نمی‌دارد هر متکبر و فخر فروش را»

در حدیث عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه آمده است که گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «كَتَبَ اللَّهُ مَقَادِيرَ الْخَلَائِقِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِخَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ، وَعَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ»^۱.

(خداوند پنجاه هزار سال پیش از آنکه آسمان‌ها و زمین را بیافریند تقدیر خلائق را نوشته است آنگاه که عرش وی بر روی آب بود).

«عمل به شریعت در پرتو ایمان به تقدیر»

۵۸- شریعت برای ما روشن است. خداوند آن را برای ما بندگان به این دلیل وضع کرده تا اعمال خودمان را فقط در چهارچوب آن و طبق اصول و ضوابطی که تعیین کرده انجام دهیم. تقدیر جزو مغیبات بوده و از چشم و درک ما پنهان است. خداوند ما را امر کرده که به آن ایمان بیاوریم زیرا تقدیر از مقتضیات کمال علم و اراده باری تعالی است و علم و اراده هر دو از صفات پروردگار است. پس تقدیر در دایره اعتقادات است و شریعت در دایره عمل. لذا بر ما لازم است که به شریعت عمل کنیم و به اسباب مشروع آن توسل بجوئیم و همزمان به تقدیر الهی ایمان داشته باشیم که جز آنچه ذات حکیم و توانایش مقدر کرده انجام نخواهد گرفت، پس کسی که سعادت در تقدیرش باشد اسباب آن برایش آسان می‌گردد و کسی که بدبختی نصیبش شده باشد اسباب آن برایش آسان می‌گردد. زیرا در حدیث حضرت علی ابن ابی طالب رضی الله عنه آمده است که گفت: (برای تشییع جنازه‌ای در بقیع غرقد بودیم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حالی که عصای باریکی بدست داشتند، تشریف آوردند، ابتدا سرشان را پایین کردند، و بفکر فرو رفتند و با نوک عصا شروع به کاویدن زمین کردند و سپس فرمودند:

۱- صحیح مسلم حدیث شماره (۲۶۵۳).

«مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ مَا مِنْ نَفْسٍ مَنْفُوسَةٍ إِلَّا وَقَدْ كَتَبَ اللَّهُ مَكَانَهَا مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَإِلَّا وَقَدْ كُتِبَتْ شَقِيَّةٌ أَوْ سَعِيدَةٌ»^۱. «هیچ کس از شما نیست هیچ نفس جاننداری نیست مگر اینکه جایگاهش در بهشت یا دوزخ نوشته شده است، و اینکه خوشبخت است یا بدبخت». مردی گفت: ای رسول خدا، پس آیا به همان تقدیرمان اکتفاء نکنیم و عمل را ترک ننمائیم کسی که از میان ما جزو خوشبختان باشد بسوی خوشبختی خواهد رفت و کسی که از اهل بدبختی باشد بسوی بدبختی؟ فرمود: «اعْمَلُوا فِكُلُّ مُيَسَّرٍ أَمَّا أَهْلُ السَّعَادَةِ فَيُيَسَّرُونَ لِعَمَلِ أَهْلِ السَّعَادَةِ وَأَمَّا أَهْلُ الشَّقَاوَةِ فَيُيَسَّرُونَ لِعَمَلِ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ». تلاش کنید که هر کسی برای چیزی توفیق داده شده است: اما اهل سعادت و خوشبختی به عمل اهل سعادت و خوشبختی توفیق داده می‌شوند و اهل شقاوت و بدبختی به عمل اهل شقاوت و بدبختی توفیق داده می‌شوند.

سپس این آیه را تلاوت فرمود: ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ۖ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ۖ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى ۖ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ۖ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى ۖ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى ۖ﴾ [اللیل: ۵-۱۰]^۲. «پس هر کس عطا کرد و پرهیزگاری پیشه نمود و پاداش نیکو را باور داشت راه رسیدن به بهشت را برای وی آسان خواهیم کرد و اما کسی که بخل ورزید و استغناء پیشه کرده و پاداش نیکو را دروغ پنداشت راه رسیدن به دوزخ را برای وی آسان خواهیم کرد».

و از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ، وَفِي كُلِّ خَيْرٍ، احْرِضْ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ وَاسْتَعِزْ بِاللَّهِ وَلَا تَعْجِزْ، وَإِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ فَلَا تَقُلْ: لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَانَتْ كَذَا وَكَذَا. وَلَكِنْ قُلْ: قَدَّرَ اللَّهُ

۱- متفق علیه.

۲- متفق علیه.

وَمَا شَاءَ فَعَلَ، فَإِنَّ لَوْ تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ^۱. (مؤمن قوی در نزد خدا بهتر و محبوبتر از مؤمن ضعیف است، و در هر دو خیر است، بر آنچه به تو نفع می‌رساند حریص باش و از خدا استعانت بجوی و عاجز مشو. و اگر به مصیبتی گرفتار آمدی مگو: اگر فلان کار را می‌کردم چنین و چنان می‌شد. بلکه بگو: «قَدَّرَ اللَّهُ وَمَا شَاءَ فَعَلَ» خدا مقدر کرده و آنچه بخواهد می‌کند، زیرا که «لو» یا «اگر» راه شیطان را باز می‌کند).

۵۹- برای گشودن راه بسوی گناهان نمی‌توان «تقدیر» را دستاویز قرار داد، زیرا حجت خداوند بر خلقش قائم است، و خداوند ایشان را قدرت و اختیار داده است، و شریعت به روشنی این قضیه را مطرح کرده است. ارشاد باری تعالی است که:

﴿وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَّا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿۲۰﴾﴾ [الزخرف: 20].

«مشرکان گفتند: اگر پروردگار بخشنده می‌خواست ما فرشتگان و بتان را پرستش نمی‌کردیم برای این ادعای باطل‌شان هیچ مستند علمی ندارند آنان دروغ‌گویانی بیش نیستند».

«تقدیر با احتیاط»

۶۰- همزمان با ایمان به قضا و قدر، حذر و احتیاط نیز لازم است، زیرا خداوند متعادل می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ﴾ [النساء: 71].

«ای اهل ایمان، اسباب جنگ‌تان را بگیرید».

و نیز می‌فرماید:

﴿وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ﴾ [النساء: 102].

۱- صحیح مسلم حدیث شماره (۲۶۶۴).

«باید اسباب جنگ و اسلحه خودشان را همراه داشته باشند».

«حکمت و عدالت در تقدیر»

۶۱- تقدیر سراسر حکمت و عدالت است، آنچه به بندگان می‌رسد پاداش اعمالشان است. حکمت تقدیر سرانجام درک خواهد شد گرچه مدتی طول بکشد. گاهی هم پنهان می‌ماند، زیرا از اسمای خداوند متعال یکی «حکیم» است که در آیات و احادیث به کثرت آمده است، دیگر از اسمای خداوند «عدل» است که در «حدیث اسماء» نزد امام ترمذی آمده است. همچنین پیامبر اکرم ﷺ در حدیث کرب می‌فرماید: «عَدْلٌ فِي قَضَائِكَ»^۱. (قضاوت تو در مورد من عین عدالت است). و ارشاد خداوند است، که:

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾ [الشوری: ۳۰].

«و هر مصیبتی که به شما می‌رسد نتیجه اعمال زشتی است که دست‌های خودتان کسب کرده است و خداوند بسیاری از گناهان را می‌بخشد».

«ایمان به فرشتگان»

۶۲- فرشتگان از نور آفریده شده‌اند که به مرد بودن یا زن بودن توصیف نمی‌شوند شغلشان عبادت است و از گناهان معصومند. با اجازه خداوند برای شئون مخلوقات و تدبیر جهان آفرینش و حفاظت بندگان و نوشتن اعمال آنان مسخر شده‌اند. و در حفظ و تبلیغ وحی الهی امین هستند. در حدیث حضرت عائشه صدیقه کبریٰ^۲ آمده است که رسول خدا ﷺ فرمودند: «فرشتگان از نور، و جنات از شعله بی‌دود آتش، و آدم از آنچه برایتان در قرآن توصیف گردید (یعنی خاک) آفریده شده‌اند»^۳.

ارشاد باری تعالی است که:

۱- حدیث کرب تماش در ذیل و طلب شماره ۳۹ گذشت.

۲- صحیح مسلم.

﴿وَجَعَلُوا أَلَمَّتِيكَةَ الَّذِينَ هُمْ عَبْدُ الرَّحْمَنِ إِنِّئَا أَشْهَدُوا خَلَقَهُمْ سَتَكْتَبُ شَهَدَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ﴾ [الزخرف: 19].

«و مشرکان فرشتگانی را که بندگان پروردگار بخشنده هستند مؤنث قرار دادند، آیا آن‌ها در هنگام خلقت فرشتگان حاضر بوده‌اند؟! این گواهی دروغین آنان نوشته شده، و از آن پرسیده خواهند شد».

﴿وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ﴾ [الأنبياء: 19-20].

«و آن نفوس قدسیه که در ملاً اعلیٰ نزد پروردگارند از پرستش او که با شوق و رغبت انجام می‌دهند سرکشی نکنند و خسته و ملول نشوند، شب و روز تسبیح او گویند و سستی نکنند».

﴿وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّاقُونَ﴾ [الصافات: 165-166].

«براستی که ما بدستور پروردگار صف آراسته‌ایم و همواره بتسبیح او مشغولیم».

﴿لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾ [الأنبياء: 27-28].

«فرشتگان در سخن گفتن نزد خداوند پی‌دستی نمی‌کنند بلکه آنان هرچه کنند به امر او کنند هر عملی که از ازل کرده و تا ابد خواهند کرد خداوند همه را می‌داند، شفاعت نکنند مگر برای کسی که وی راضی باشد، و آنان دائم از قهر و عذاب پروردگار بی‌مناکند».

﴿يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ [النحل: 50].

«از پروردگارشان که بالای سرشان است می‌ترسند. و به آنچه امر شوند عمل می‌کنند».

﴿فَالْمُقْسِمَاتِ أَمْرًا﴾ [الذاریات: 4].

«پس قسم به فرشتگانی که به اذن خداوند تقسیم کننده امور بندگانند».

﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ﴾ [الذاریات: 5].

«پس قسم به فرشتگانی که به اذن خداوند تقسیم کننده کار مایند».

﴿إِن كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ﴾ [الطارق: 4].

«هیچ جاننداری نیست مگر اینکه فرشته‌ای از جانب خدا بر او نگهبان است».

﴿لَهُوَ مُعَقِّبَتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ﴾ [الرعد: 11].

«بر انسان فرشتگانی گماشته شده که از پیش رو و پشت سر با اجازه خدا او را حفاظت می‌کنند».

﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿١٠﴾ كِرَامًا كَتِيبِينَ ﴿١١﴾ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿١٢﴾﴾

[الإنفطار: 10-12].

«و البته بر شما نگهبانانی مأمورند فرشتگان مکرمی که نویسندگان اعمال شماوند - هرچه - شما انجام می‌دهید می‌دانند».

﴿إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿٧﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾﴾ [ق: 17-18].

«آنگاه که دو فرشته‌ای که در سمت راست و چپ انسان نشسته‌اند و اعمال او را دریافت می‌داند هیچ سخنی بر زبان نمی‌آورد مگر اینکه نزد او فرشته‌ای مراقب و آماده دریافت آن سخن است».

﴿فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ ﴿١٣﴾ مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ﴿١٤﴾ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ﴿١٥﴾ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ﴿١٦﴾﴾

[عبس: 13-16].

«آیات الهی در صحیفه‌های گرامی قدر بثبت رسیده که بسی بلندمرتبه و - از خطاء پاک است در دست فرشتگان پاک طینت و نیک کردار قرار دارد».

﴿إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ ﴿٧٧﴾ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ﴿٧٨﴾ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾﴾

[الواقعة: 77-79].

«که البته این قرآن کتابی گرامی قدر است که در لوح محفوظ نگاشته شده، جز پاکان به آن دست نرسانند».

﴿فَالْمُلقِيَتِ ذِكْرًا ۝ عَذْرًا أَوْ نَذْرًا ۝﴾ [المسرات: 5-6].

«پس قسم به فرودآوردگان وحی برای دفع عذر یا ترسانیدن».

﴿اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ﴾ [الحج: 75].

«خداوند - از میان فرشتگان و انسان‌ها رسولانی را برمی‌گزیند».

«ایمان به کتاب‌های خداوند»

۶۳- باید به همه کتاب‌های خدا که بر پیامبران - علیهم الصلاة والسلام- نازل کرده ایمان بیاوریم، تورات و انجیل و زبور و قرآن. علاوه از این‌ها صحائف دیگری نیز از جانب پروردگار نازل شده که ما تفصیل آن را نمی‌دانیم، هرچه از سوی خدا نازل شده ما به آن ایمان داریم و هرچه در آن‌ها درج بوده حق می‌دانیم. خداوند بزرگ می‌فرماید:

﴿وَقُلْ ءَامَنْتُ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ﴾ [الشوری: 15].

«و بگو ای پیامبر به همه کتاب‌هایی که خدا نازل کرده ایمان آورده‌ام».

﴿نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ۝ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ﴾ [آل عمران: 3-4].

«خدا آن ذاتی است که کتاب را بر تو به حق نازل کرد که تصدیق کننده کتاب‌های پیش از خود است و تورات و انجیل را نیز قبل از این برای هدایت مردم نازل کرده است همچنین فرودآورده قرآن را».

﴿وَعَاتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا ۝﴾ [النساء: 163].

«و به داود زبور را عطاء کردیم».

«خداوند از میان تمام کتب آسمانی فقط قرآن را حفاظت کرد»

۶۴- خداوند تعالی قرآن کریم را از هرگونه کمی و بیشی و تحریف و تبدیل مصون و محفوظ داشته است، لذا تا روز قیامت بهمان صورتی که نازل شده دست نخورده باقی خواهد ماند. قرآن سراپا حق است و از طرف خدا آمده است.

خداوند دیگر کتب آسمانی را حفاظت نکرده بدین جهت می‌بینیم که دچار کمی و بیشی و تحریف و تبدیل شده است. بنابراین، همچنان که در آن‌ها حق وجود دارد باطل نیز موجود است و تشخیص این دو از یکدیگر بطور کلی ناممکن است.

خداوند حکیم و توانا می‌فرماید:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: 9].

«همانا قرآن را ما نازل کرده‌ایم و البته ما خود آن را حفاظت کننده‌ایم».

﴿وَأَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ﴾

[المائدة: 48].

«ما کتاب را بر تو فرود آوردیم تصدیق‌کننده کتاب‌هایی که پیش از وی بودند و نگهبان بر آنان».

«قرآن یگانه وسیله هدایت برای تمامی بشریت است»

۶۵- ما به این امر ایمان داریم که خداوند قرآن کریم را برای هدایت تمامی افراد بشر نازل فرموده تا بوسیله آن به سعادت دنیا و آخرت نایل آیند. قرآن کتابی است که عقل‌ها را شستشو می‌کند، دل‌ها را صیقل می‌دهد، اعمال و احوال را اصلاح می‌کند و اجتماع بشری را با کامل‌ترین نظام، و به بهترین وجه ممکن منظم می‌کند. و لاجرم هر کس با آن مخالفت کند در بدترین گمراهی بشر خواهد برد.

﴿وَأَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ﴾

[المائدة: 48].

«ما کتاب را بر تو فرود آوردیم تصدیق‌کننده کتاب‌هایی که پیش از وی بودند و نگهبان بر آنان».

﴿الرَّ كِتَبَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ [إبراهيم: 1].

«این کتابی است که ما آن را بر تو نازل کرده‌ایم تا مردم را از تاریکی‌ها برهانی و بسوی نور رهبری کنی».

﴿فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [الأعراف: 157].

«پس آنانی که به پیامبر ایمان آورند و از او حمایت کردند و او را یاری نمودند و از نوری که با او نازل شده پیروی کردند همین‌هاست رستگاران».

﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ [الإسراء: 82].

«و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم».

- رسول خدا ﷺ، در خطبه معروفشان - در حجة الوداع فرمودند: (من در میان شما چیزی را گذاشتم که اگر به آن چنگ بزنی هرگز گمراه نخواهی شد کتاب خدا)^۱.

ایمان به سنت ایمان به قرآن است

۶۶- اصولاً سنت پیامبر ﷺ بیان و توضیح برای قرآن است، و از لوازمات ایمان به قرآن ایمان داشتن به این امر است که هر آنچه از پیامبر ﷺ ثابت شده حق است، و از جانب خدا آمده است، و اینکه عمل کردن به سنت عمل کردن به قرآن است، و ترک سنت ترک قرآن، لذا ارشاد خداوندی است که:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: 7].

۱- صحیح مسلم: این حدیث با الفاظ دیگری نیز روایت شده است، در بعض روایت آمده است که دو چیز در میان شما گذاشتیم که اگر به آن دو چنگ بزنی هرگز گمراه نخواهی شد کتاب خدا و سنت خودم، و در بعضی روایات نیز بجای سنت عترت ذکر شده است. (مترجم)

«آنچه پیامبر به شما می‌دهد بگیرید و از آنچه شما را باز می‌دارد باز بایستید».

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: 44].

«قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم آنچه را که بسوی ایشان فرود آورده شده بیان کنی و تا اینکه آنان بیندیشند».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [النساء: 59].

«ای اهل ایمان، از خدا و پیامبر و اولیای امورتان اطاعت کنید و چنانچه در امری نزاع و اختلاف کردید اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارید آن را به خدا و پیامبر راجع کنید زیرا که این بهتر است از نگاه عاقبت نیکوتر».

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا﴾ [الأحزاب: 36].

«و هیچ مرد مسلمان و زن مسلمان در کاری که خدا و رسولش حکم کنند، اختیاری از خویش ندارند، و کسی که از خدا و پیامبر نافرمانی کند براستی که به گمراهی آشکاری گرفتار آمده است».

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: 65].

«پس نه چنان است که آنان می‌پندارند قسم به پروردگارت که اینان مؤمن نخواهند بود مگر اینکه در مشاجرات فیما بینشان تو را حکم و داور کنند، و سپس از قضاوت تو هیچگونه نارضایتی در دل نداشته باشند و از صمیم قلب آن را بپذیرند».

«ایمان به پیامبران علیهم الصلاة والسلام»

۶۷- پروردگار مهربان و با حکمت، ما بندگان را برای عبادت خویش آفریده است، و با همین عبادت و پرستش اوست که به کمال خوشبختی دست می‌یابیم، عبادت او در اطاعت از اوامر و اجتناب از نواهی‌اش نهفته است. و درک تفصیل و چگونگی این پرستش برای ما بندگان عاجز ناممکن است مگر اینکه خودش آن را بیان دارد. فلذا به فضل و رحمت خویش عده‌ای از بندگان برگزیده‌اش را بر فضائل و کمالات پرورش داد و آنان را از رذائل و نواقص پاک و معصوم نگهداشت و برای ملاقات فرشتگان اطهارش آماده کرد تا وحی الهی را از آنان دریافت کنند، و به بندگانش برسانند و برای آنان توضیح دهند و در عمل کردن و به اجراء گذاشتن این رسالت برای بقیه انسان‌ها سرمشق و نمونه باشند. ما به همه این پیامبران و رسولان ایمان داریم چه کسانی که ما با معرفی خداوند آنان را می‌شناسیم و چه کسانی که نمی‌شناسیم:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: 56].

«نیافریده‌ام جنات و انسان‌ها را مگر برای آنکه پرستش کنند مرا».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾ [الأنفال: 24].

«ای مؤمنان، چنانچه خدا و پیامبر شما را بسوی چیزی بخوانند که باعث زندگی همیشگی شما گردد پس از خدا و پیامبر فرمان برید».

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾ [البینه: 5].

«امر نشدند مگر به اینکه خدا را در حالی پرستش کنند که عبادتشان را خالص برای رضای او قرار می‌دهند».

﴿مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَنُ﴾ [الشوری: 52].

«تو نمی‌دانستی که کتاب و ایمان چیست تا اینکه ما به تو آموختیم».

﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران: 33].

«براستی که خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را برگزید و بر جهانیان برتری داد».

﴿إِن نَّحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ﴾ [ابراهیم: 11].
 «ما انسان‌هایی مانند شما بیش نیستیم اما خداوند از میان بندگان بر کسی که بخواهد منت می‌گذارد - و او را برای رسالت خویش انتخاب می‌کند-».

﴿إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ﴾ [رحمة من ربك] [الدخان: 5-6].
 «هر آینه این ما هستیم که پیامبران را مبعوث می‌کنیم ارسال پیامبر لطف و رحمتی از جانب پروردگار توست».

﴿وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ﴾ [ص: 47].
 «البته پیامبران در نزد ما از بندگان برگزیده و خوب ما هستند».
 ﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾ [الأنعام: 124].
 «خداوند بهتر می‌داند که رسالت خودش را در کجا قرار دهد».

﴿قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَّمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا﴾ [الإسراء: 95].

«بگو: ای پیامبر، اگر بجای انسان‌ها فرشتگانی در زمین می‌بودند که با آرامش زندگی می‌کردند ما هم برای آن‌ها از آسمان فرشته‌ای را به پیامبری می‌فرستادیم».

﴿عَلِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا﴾ [آل عمران: 26-28].
 ﴿لَيَعْلَمَنَّ أَن قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَتِ رَبِّهِمْ﴾ [الجن: 26-28].

«خداوند دانای غیب است، پس هیچ کسی را بر غیب خودش آگاه نمی‌سازد. مگر کسی را که به عنوان پیامبر به رضایت خودش برانگیخته پس برای نگرانی بر او از پیش

رو و پشت سرش محافظانی در حرکت هستند تا بدانند که آنان رسالت پروردگارشان را ابلاغ کرده‌اند.»

﴿فَبِهَدْيِهِمْ أَقْتَدِهِ﴾ [الأنعام: 90].

«پس به شیوه پیامبران اقتداء کن.»

﴿لَا تُفَرِّقْ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ﴾ [البقرة: 285].

«ما در ایمان آوردن بین هیچ‌یک از پیامبرانش فرق نمی‌گذاریم.»

﴿مِنْهُمْ مَّنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّنْ لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ﴾ [المؤمن: 78].

«احوال بعض رسولان را برای تو حکایت کردیم و برخی دیگر را نکردیم.»

۶۸- پیامبران حجت خدا و گواهان او هستند که پروردگار، وحی خودش را بر آنان نازل فرموده و آنان را جهت تبلیغ این رسالت بسوی بندگانش فرستاده است، تا آن‌ها را با وی و شریعتش آشنا کنند، و به آیاتش متوجه سازند و انعاماتش را به آنان یادآوری نمایند، و در صورت پذیرفتن دعوت، آنان را به سعادت و خوشبختی دائمی مژده دهند، و در صورت مخالفت از بدبختی و هلاکتی که در انتظارشان است بترسانند پس هرگاه آنان رسالت را تبلیغ کنند و امانت را ادا گردانند حجت خدا بر خلقتش تمام می‌گردد و سرانجام در روز قیامت که همه با پروردگار روبرو می‌شدند همین امنای صادق و عادل، گواهان او بر خلقتش خواهند بود.

﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِن بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا ﴿١٦٣﴾ وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِن قَبْلُ وَرُسُلًا لَّمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا ﴿١٦٤﴾ رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٦٥﴾﴾ [النساء: 163-165].

«همچنان‌که ما به نوح و پیامبران بعد از وی وحی نمودیم و همچنان‌که به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نواسه‌ها و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم بر تو نیز وحی فرستادیم و به داود زبور را دادیم. و پیامبرانی که قبلاً شرح حالشان را برایت حکایت نمودیم و آنانی که حالشان را بیان ننمودیم به همه وحی فرستادیم و خداوند با موسی آشکارا سخن گفت رسولان را فرستادیم که نیکان را بشارت دهند و بدان را بترسانند تا برای مردم حجتی بر خدا باقی نماند و خداوند همیشه مقتدر و با حکمت است.»

﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ [النساء: 41]

«پس چگونه خواهد بود حال مردم آنگاه که از هر امتی گواهی بیاوریم و تو را - ای پیامبر - بر این امت به گواهی بیاوریم.»

﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ﴾ [النحل: 89]

«روزی که ما بر هر امتی از جنس خودشان گواهی برانگیزیم و تو را (ای محمد ﷺ) بر این امت گواه آوریم.»

پشتیبانی خداوند از پیامبران با دلایل و معجزات

۶۹- خداوند که پیامبرانش را برای هدایت مردم و اتمام حجتش بر آنان فرستاد با دلیل و برهان از آنان پشتیبانی نمود، و هر آن چیزی که حق بوسیله آن آشکار شود می‌توان دلیل و برهانش نامید، اعم از کمال سیرت آنان در میان قومشان، و روشنی بیانشان، و شدت محبتشان با مردم. و نیروی دیگری که پروردگار بوسیله آن از پیامبرانش پشتیبانی می‌نمود معجزات خارق‌العاده‌ای بود که مردم از مخالفت و مقاومت در برابر آن عاجز بودند. پس دعوت انبیاء و رسولان - علیهم الصلاة والسلام - ابتداء با دلایل و براهین روشنی از جانب پروردگار پشتیبانی می‌شود، چنانچه مردم قانع نمی‌شدند و از آنان

معجزه طلب می‌کردند، آن‌ها این قضیه را به‌خدا واگذار می‌کردند، و با جرأت تمام عجز و ناتوانی خودشان را اظهار می‌نمودند، و به آنان تفهیم می‌کردند که آن‌ها هیچگونه قدرت و اختیاری ندارند که بتوانند معجزه بیاورند. پس این خداوند بود که برای کمک آنان و ترسانیدن اقوامشان معجزه می‌فرستاد، در نتیجه عده‌ای می‌پذیرفتند و ایمان می‌آوردند. و اکثراً بر عناد و سرپیچی خودشان ادامه می‌دادند، که سرانجام عذاب خدا بر آنان لازم می‌شد.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ﴾ [الحديد: 25].

«محققاً ما رسولان خود را با معجزات فرستادیم».

﴿قَالُوا يَصْلِحْ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا﴾ [هود: 62].

«گفتند: ای صالح، تو که قبل از این در میان ما مایه امید بودی».

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ﴾ [ابراهيم: 4].

«هیچ پیامبری نفرستادیم مگر به زبان قومش تا اینکه برای آنان بیان کند».

﴿وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ﴾ [الأنعام: 83].

«این است حجتی که ما به ابراهیم دادیم بر قومش».

﴿أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿٩﴾ قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِى اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَنِ مُّبِينٍ ﴿١٠﴾ قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِن نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ

نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطٰنٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾ وَمَا لَنَا اَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللّٰهِ وَقَدْ هَدٰنَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا ءَاذَيْتُمُوْنَا وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿١٢﴾

[ابراهیم: ۹-۱۱].

«آیا خبر پیشینیانی که قبل از شما بودند مانند قوم نوح و عاد و ثمود و انانی که بعد از آنان آمده بودند که جز خدا کسی از احوالشان آگاه نیست به شما نرسیده که رسولان‌شان با معجزات روشنی پیش آنان آمدند اما آن‌ها دست به دهان فرو برده و می‌گفتند: ما به آنچه شما برای رساندن آن فرستاده شده‌اید کافریم و از آنچه ما را بسوی آن می‌خوانید در شک هستیم و در باره آن تردید داریم. پیامبران‌شان گفتند: آیا در باره خدا شک می‌کنید که آفریننده آسمان‌ها و زمین است و شما را می‌خواند تا گناهانتان را بیامرزد و تا مدت زمانی معین شما را مهلت دهد؟ گفتند: شما هم مانند ما انسان‌های بیش نیستند که می‌خواهید ما را از آنچه پدرانمان می‌پرستیدند باز دارید، پس برای ما دلیل آشکاری بیاورید، پیامبران‌شان گفتند: درست است که ما نیز مانند شما انسان‌هایی بیش نیستیم لیکن این خداوند است که بر هر کس - از بندگان‌ش بخواهد احسان می‌کند، و ما توان آوردن دلیل و معجزه را برای شما نداریم مگر آنکه خدا اجازه دهد و مؤمنان بر خدا باید توکل کنند. و چرا به خدا توکل نکنیم در حالی که او ما را براه راست هدایت نموده است و البته ما بر آزار و اذیت شما صبر خواهیم کرد و در هر حال، توکل‌کنندگان بر خدا باید توکل کنند».

﴿وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ اِلَّا تَخْوِيفًا﴾ [الإسراء: ۵۹].

«و ما آیات و معجزات را نمی‌فرستیم مگر برای اینکه مردم از خدا بترسند».

مرتبه عالی و کمال عبادت پیامبران

۷۰- انبیاء - علیهم الصلاة والسلام- با آن مقام و مرتبه بلندی که نزد خدا داشتند همواره در کمال تذلل و عبودیت بسر می‌بردند و در هیچ امری از بقیه مردم امتیازی

نداشتند همچنان که دیگران به خدا محتاجند آنان نیز محتاج ذات بی‌نیاز پروردگار بودند و قضای الهی در آنان نیز صد در صد نافذ بود و آنان کاملاً در نظم و چرخاندن این جهان هستی بی‌اختیار بودند و جز آنچه خدا به آنان خبر می‌داد ذره‌ای از علم غیب نمی‌دانستند آنان نیز مانند بقیه مردم مکلف بودند به تمامی شریعت عمل کنند و با خضوع و فروتنی از خداوند بزرگ فرمان برند و از عذابش بترسند، که طبعاً آنان به همه آنچه مکلف شده بودند به نحو احسن عمل کردند.

﴿لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ﴾ [النساء: 172].

«عیسی مسیح از بندگی خدا سرباز نمی‌زند و آن را ننگ نمی‌پندارد و فرشتگان مقرب نیز چنین اند».

﴿رَبِّ إِنِّي لَمَّا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ [القصص: 24].

«بار الهی، براستی که من به آنچه تو بسویم از خیر نازل فرمودی محتاجم».

﴿قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرَىٰ مَا يَفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ [الأحقاف: 9].

«بگو ای رسول، من اولین پیغمبر نیستم و نمی‌دانم با من و شما چه خواهد شد، جز آنچه بر من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم و من ترساننده‌ای آشکار بیش نیستم».

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ﴾ [الأعراف: 188].

«بگو ای پیامبر، من مالک نفع و ضرر خویش نیستم مگر آنچه خدا بخواهد، و اگر غیب می‌دانستم البته برای خودم خیر بیشتری طلب می‌کردم و به من گزندی نمی‌رسید».

﴿وَمَا أَرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَكُمْ عَنْهُ﴾ [هود: 88].

«نمی‌خواهم خلاف آنچه‌ی عمل کنم که شما را از آن باز می‌دارم».

﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ [۵۱].

[المؤمنون: 51].

«ای رسولان ما، از غذاهای حلال و پاکیزه تناول کنید و عمل نیکو انجام دهید برآستی که من به تمامی اعمال شما دانایم».

﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا﴾ [الإسراء: 57].

«آن‌هایی را که کافران به خدایی می‌خوانند خود به درگاه خدا وسیله می‌جویند که کدام‌یک از آنان بیشتر مقرب درگاه خدا باشد و امیدوار رحمت خدایند و از عذاب او می‌ترسند که البته عذاب پروردگار سخت هولناک است».

ادب با پیامبران علیهم‌السلام

۷۱- انبیاء - علیهم‌الصلاة والسلام- بندگان خدا هستند. به هر گونه‌ای که بخواهد با آنان سخن می‌گوید و هرگاه بخواهد آنان را سرزنش می‌کند و آنان در مقابل، به تقصیر خویش اعتراف می‌کنند و از او آموزش می‌طلبند. و اما بر ما مسلمین واجب است در چنین مسایلی که آنان سرزنش شده‌اند و از پروردگارشان آمرزش طلبیده‌اند بیشتر به کاوش و جستجو نپردازیم و چنانچه لزومی پیش آمده که در چنین موارد خاصی صحبت کنیم باید صرفاً به نصوصی که در قرآن و سنت آمده است اکتفاء نماییم، همچنان بر ما واجب است که به آنان احترام بگذاریم و از آنان ستایش کنیم و بدانیم که خداوند بقدر مقام و منزلت عالی‌شان آنان را سرزنش می‌کند، و آن‌ها با شناخت عمیقی که از پروردگارشان دارند و حقوق والای او را می‌شناسند چیزهایی را تقصیر و کوتاهی بحساب می‌آورند که در نزد بقیه مردم کوتاهی بشمار نمی‌آید. و خداوند حکیم حفاظت آنان و پشتیبانی از آنان را پیوسته ملحوظ داشته و برای کسانی که به ازار و اذیت آنان پردازند تنبیهات مناسبی در نظر گرفته است، چنانکه می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا ۝٥٧﴾
[الأحزاب: 57].

«براستی که خدا و پیامبر را اذیت می‌رسانند خداوند در دنیا و آخرت آنان را لعنت کرده از رحمتش دور می‌گرداند و برای آنان عذاب رسوا کننده‌ای آماده کرده است».

«ختم نبوت و عمومیت آن»

۷۲- خداوند رسالت و نبوت را بوسیله حضرت محمد ﷺ ختم نموده است، بدین جهت رسالت آن حضرت ﷺ را رسالتی عام قرار داده که جنات و انسان‌ها و فرشتگان همه را شامل می‌شود، و شریعتش را شریعتی جامع و کامل گردانیده که همه احتیاجات بشر را در بر گرفته در میادین مختلف زندگی اعم از عقلی و نقلی و عمرانی که انسان برای پیشرفت و ترقی در حرکت است با او دوشادوش و همگام پیش می‌رود و بدین ترتیب انسان را از شرایع قبل اسلام بی‌نیاز نموده است، فلذا این شریعت ناسخ تمامی شرایع قبلی است. به همین دلیل قرآن را رمز بقای آن قرار داده است، کتابی پاینده و جاوید که نه تنها با عقل و علم سازگاری دارد بلکه بقدری دلکش و جذاب است که هر کس به آن گوش فرا دهد و بفهمد ناگزیر هدایت می‌شود و فرمان می‌برد.

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمُ النَّبِيِّينَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۝٤٠﴾ [الأحزاب: 40].

«محمد ﷺ پدر (نسبتی) هیچ‌یک از مردان شما نبوده (تا ازدواج با زینب برای او حرام باشد) بلکه فرستاده خدا و آخرین پیغمبران است و خدا از همه چیز آگاه است».

﴿قُلْ يٰٓأَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾ [الأعراف: 158].

«ای پیغمبر، به مردم بگو: من فرستاده خدا به سوی جمیع شما - اعم از عرب و عجم و سیاه و سفید و زرد و سرخ - هستم».

﴿قُلِ اللَّهُ شَهِيدُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هٰذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِۦ وَمَنْ بَلَغَ﴾

[الأنعام: 19].

«ای پیامبر، بگو: خدا میان من و شما گواه است - بهترین دلیلش این است که - این قرآن به من وحی شده است تا شما و تمام کسانی را که این قرآن بدانها می‌رسد بوسیله آن بیم دهم».

﴿وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ﴾ [الأحقاف: 29].

«ای پیغمبر، بیاد آور آن زمانی را که گروهی از جنیان را به سوی تو فرستادیم تا قرآن بشنوند».

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾

[المائدة: 3].

«امروز دین شما را برایتان کامل کردم و با عزت بخشیدن به ما و استوار داشتن گام‌هایتان نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین پسندیده خود برای شما برگزیدم».

و در حدیثی که حضرت ابوهریره رضی الله عنه نقل می‌کند آمده است که رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا قَدْ أُعْطِيَ مِنَ الْآيَاتِ مَا مِثْلُهُ آمَنَ عَلَيْهِ الْبَشَرُ، وَإِنَّمَا كَانَ الَّذِي أُوتِيَتْ وَحْيًا أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ، فَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَكْثَرَهُمْ تَابِعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱ (خداوند به هر پیامبر معجزه‌ای داده است تا که انسان‌ها به او ایمان آورند و معجزه‌ای که به من داده شده کتابی است که خداوند به من وحی کرده است، پس امیدوارم که در روز قیامت پیروان من از همه پیامبران بیشتر باشد).

ایمان به روز رستاخیز

پایان زندگی دنیوی و آغاز زندگی اخروی:

۷۳- ما ایمان داریم که هرگاه فرصت از بین رفتن زندگی دنیا فرا رسد - که البته تاریخ آن را غیر از خدا کسی نمی‌داند - این جهان هستی دگرگون خواهد شد و نظام این کائنات از هم خواهد پاشید، و تمامی آسمان‌ها و زمین از بین خواهد رفت و آنگاه جهان آخرت در کون دیگری و با نظام دیگری پدید خواهد آمد و این امر برای خدا سهل است، زیرا همچنان‌که آن ذات قادر و توانا توانست این جهان شگفت‌انگیز را بیافریند و نظام خویش را بر آن حاکم کند، قادر است، آن را از بین هم ببرد و نظامش را باطل کند و بجایش کائناتی دیگر بیافریند.

﴿ذَٰلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَٰلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ ۝ وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ ۝﴾
[هود: 103-104].

«آن روز محشر روزی است که همه مردم در آن جمع کرده می‌شوند، روزی که همه آن را مشاهده خواهند کرد، و ما آن را مؤخر نمی‌کنیم مگر تا فرصتی شمرده شده.»
﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ۝﴾
[الأعراف: 187].

«از تو در باره قیامت می‌پرسند که چه وقت بر پا می‌شود؟ بگو: علم آن نزد پروردگارم است، آن را در سر وقتش آشکار نمی‌کند مگر ذات توانای او.»
﴿إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ۝ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ اُنْتَثَرَتْ ۝ وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ۝ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ۝ عَلِمْتَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ۝﴾ [الإنفطار: 1-5].

«هنگامی که آسمان شکافته شود و هنگامی که ستارگان فرو ریزند، و هنگامی که دریاها بشدت به حرکت درآید - تا یکی شوند - هنگامی که قبرها گشاده شود آنگاه است

که هر نفس خواهد فهمید که چه عملی پیش فرستاده و چه عملی را بتأخیر افکنده است.»

﴿فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ ۝۸ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ۝۹ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّفَتْ ۝۱۰﴾

[المرسلات: 8-10]

«پس وقتی که ستارگان بی‌نور شوند، و وقتی که آسمان شکافته شود، و وقتی که کوه‌ها ریزه ریزه شوند.»

﴿إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا ۝۴ وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًا ۝۵ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا ۝۶﴾ [الواقعة: 4-6]

«آنگاه که زمین سخت به لرزه درآید و کوه‌ها بشدت متلاشی گردد و همانند ذرات غبار در هوا پراکنده شود.»

﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتُ ۝۷﴾ [إبراهيم: 48]

«روزی که زمین به زمینی دیگر تبدیل شود و آسمان‌ها نیز به آسمان‌های دیگر مبدل شوند.»

معاد و برانگیخته شدن بعد از مرگ

۷۴- ایمان داریم به اینکه خداوند متعال پس از مردن ما را زنده می‌کند، و همه ما را هر کجا که باشیم با روح و جسد از قبرهایمان بیرون می‌آورد و برای محاسبه اعمال و دریافت پاداش نیک یا بد در آن میدان بزرگ، در روز حشر جمع می‌کند، و این امر برای ذات قادر و یکتایی مانند او ممکن است، و عدالت در حکمتش همین را تقاضا می‌کند.

﴿قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝۲۶﴾ [الجماعه: 26]

«بگو: ای رسول ما، خدا شما را زنده می‌کند سپس می‌میراند سپس همه شما را برای روز قیامت که هیچ شک و تردیدی در آن نیست جمع می‌کند و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند.»

﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ﴾ [الأنبياء: 104].

«روزی که آسمان را همانند کاغذی درهم پیچیم و به حالت اولی که آفریدیم بازگردانیم، این وعده ماست که حتماً انجام خواهیم داد».

﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ﴾ [القصص: 85].

«براستی آنکه قرآن را بر تو نازل کرده، حتماً تو را بسوی معاد باز خواهد گرداند».

﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ تُبْعَثُونَ﴾ [المؤمنون: 16].

«آنگاه همه شما در روز قیامت برانگیخته خواهید شد».

﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ﴾ [طه: 55].

«ما شما را از همین خاک آفریدیم و به همین خاک باز می‌گردانیم و باری دیگر از همین خاک بیرونتان خواهیم آورد».

﴿خُشْعًا أَبْصَرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ﴾ [القمر: 7].

«از هول و وحشت آنروز کافران در حالی که چشم‌هایشان را بر هم نهاده‌اند، سر از قبرها بیرون آورند و همانند ملخ در میدان محشر منتشر گردند».

﴿يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ﴾ [التغابن: 9].

«روزی که خدا همه شما را برای حساب جمع کند».

﴿يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [المطففين: 6].

«روزی که همه مردم - برای حساب - در پیشگاه پروردگار جهانیان بایستند».

﴿وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةٍ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [هنا ۲۸].

﴿كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [الجاثية: 28-29].

«هر گروهی را در آن روز خواهی دید که هر گروه به زانو افتاده است، و بسوی نامه اعمال خویش فراخوانده می‌شود، به آنان گفته خواهد شد: امروز جزا و سزای کارهایی

که می‌کرده‌اید به شما داده می‌شود این اعمال‌نامه‌ای که دریافت می‌دارید کتاب ماست و اعمال شما را صادقانه بازگو می‌کند برآستی که ما بدقت می‌نوشتیم آنچه را که شما انجام می‌دادید».

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبُعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنٰكُمْ مِّن تَرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّن يُّتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّن يُّرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمَرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَثْبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ﴿٥﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٦﴾ وَأَنَّ السَّاعَةَ ءَاتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَن فِي الْقُبُورِ ﴿٧﴾﴾ [الحج: 5-7].

«ای مردم، اگر در باره رستاخیز و قدرت خدا بر زنده کردن دوباره مردگان تردید دارید، بدین نکته توجه کنید تا به گوشه‌ای از قدرت الهی پی ببرید و به خود آید که ما شما را از خاک می‌آفرینیم سپس این خاک را به نطفه و بعد از نطفه به خون بسته و پس از آن به یک قطعه گوشت تبدیل می‌کنیم که برخی کامل و تام‌الخلق و برخی، ناتمام و ناقص‌الخلق است تا در این انتقال و تحولات، قدرت خویش را بر شما آشکار سازیم و ما جنین‌هایی را که بخواهیم تا زمانی معین در رحمها نگاه می‌داریم و آنگاه شما را به صورت کودک از شکم مادر بیرون می‌آوریم سپس شما را پرورش می‌دهیم تا اینکه به رشد جسمانی و عقلانی خود می‌رسید برخی از شما در این میان می‌میرند و برخی دیگر به نهایت عمر و غایت پیری می‌رسند تا بدانجا که چیزی از علوم را بخاطر نخواهند داشت. (دلیل دیگری بر قدرت خدا این است که ای انسان در فصل زمستان) تو زمین را خشک و خاموش می‌بینی اما هنگامی که - فصل بهار (در می‌رسد و - بر آن آب می‌بارانیم به جنبش درمی‌آید و رشد و نمو می‌کند و انواع گیاهان زیبا و شادی‌بخش را می‌رویاند، (آثار قدرت) دلیل است که خدای قادر حق است و هم او مردگان را زنده

می‌گرداند. و وی بر هر چیز توانا است و اینکه قیامت بدون شک عنقریب درخواهد رسید و اینکه خداوند مردگان را که در قبرها هستند برخواهد انگیزد.

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾ ﴿١١٥﴾ فَتَعَلَىٰ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿١١٦﴾ [المؤمنون: 115-116].

«آیا گمان برده‌اید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و بسوی ما برگردانده نمی‌شوید خداوندی که فرمانروای راستین است و هیچ معبودی جز او نیست و صاحب عرش عظیم است برتر از آن است که جهان هستی را بیهوده و بی‌هدف آفریده باشد».

وزن کردن اعمال و پاداش بر آن

۷۵- ایمان داریم به اینکه خداوند متعال در روز قیامت ترازوی اعمال را نصب کرده و اعمال بندگان را با آن وزن می‌کند تا هر کس مطابق عمل خویش پاداش نیک یا بد داده شود و برای هر صاحب حقی از خصمش قصاص گرفته شود، کسی که پله نیکی‌هایش سنگین‌تر باشد نجات می‌یابد و کسی که بدی‌هایش بیشتر باشد عذاب داده می‌شود، و این امر از ضروریات عدالت خداوندی است.

﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ﴾ ﴿٥٧﴾ [الأنبياء: 47].

«و ما ترازوی عدل و انصاف را در روز قیامت خواهیم نهاد و به هیچ کس کمترین ستمی نخواهد شد اگر به اندازه دانه خردلی هم - عمل خوب یا بد کرده - باشد آن را حاضر می‌کنیم - و سزا و جزای آن را می‌دهیم - و همین که ما حسابرس باشیم کفایت می‌کند».

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ ﴿٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾

[الزلزلة: 7-8].

«پس هر کس به اندازه ذره غباری کار نیکو کرده باشد آن را خواهد دید - و پاداشش را خواهد گرفت - و هر کس به اندازه ذره غباری کار بد کرده باشد آن را خواهد دید و سزایش را خواهد چشید».

﴿فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ۖ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ۖ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ۖ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ۖ﴾ [القارعة: 6-9].

«کسی که ترازوی - حسنات و نیکی‌ها - او سنگین باشد در زندگی رضایت بخشی بسر می‌برد و اما کسی که ترازوی - حسنات و نیکی‌های - او سبک شود جایگاهش پرتگاه - ژرف دوزخ - است».

﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً نَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۝۱۱ وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِيُجْزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝۱۲﴾ [الجنّة: 21-22].

«آیا کسانی که مرتکب گناهان و بدی‌ها می‌شوند گمان می‌برند که ما آنان را همچون کسانی بشمار می‌آوریم که ایمان می‌آورند و کارهای خوب و پسندیده انجام می‌دهند و مرگ و زندگی و دنیا و آخرتشان یکسان می‌باشد؟ چه بد قضاوت و داوری می‌کنند. خداوند آسمان و زمین را به حق آفریده است تا هر کس در برابر کارهایی که انجام می‌دهد سزا یا جزا داده شود و به انسان‌ها هیچگونه ستمی نگردد».

و در حدیث حضرت ابوهریره رضی الله عنه آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «اتَدْرُونَ مَا الْمُفْلِسُ». قَالُوا: الْمُفْلِسُ فِينَا مَنْ لَا دِرْهَمَ لَهُ وَلَا مَتَاعَ. فَقَالَ: «إِنَّ الْمُفْلِسَ مِنْ أُمَّتِي، يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِصَلَاةٍ وَصِيَامٍ وَزَكَاةٍ، وَيَأْتِي قَدْ شَتَمَ هَذَا، وَقَذَفَ هَذَا، وَأَكَلَ مَالَ هَذَا، وَسَفَكَ دَمَ هَذَا، وَضَرَبَ هَذَا، فَيُعْطَى هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، وَهَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، فَإِنْ فَنِيَتْ حَسَنَاتُهُ قَبْلَ أَنْ يُقْضَى مَا عَلَيْهِ أُخِذَ مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطُرِحَتْ عَلَيْهِ ثُمَّ طُرِحَ فِي النَّارِ»^۱. (آیا می‌دانید مفلِس چیست؟)

کیست؟ گفتند: مفلس از نظر ما کسی است که مال و متاعی نداشته باشد. حضرت فرمودند: (مفلس از امت من کسی است که روز قیامت با نماز و روزه و زکات حاضر شود اما این را دشنام داده و به آن تهمت زده و مال این را خورده و خون دیگری را ریخته، و آن دیگری را کتک زده است، پس از نیکی‌هایش به این هم داده شود به آن هم داده شود، و اگر پیش از تصفیه حساب حقداران نیکی‌هایش تمام شود از گناهان آنان گرفته شود و بر دوش وی انداخته شود و آنگاه به دوزخ پرت شود).

پل صراط

۷۶- و ایمان داریم به اینکه خداوند صراط (پلی باریک) را بر روی دوزخ نصب می‌کند و همه مردم باید از روی آن بگذرند، بهشتیان از روی آن عبور می‌کنند و به بهشت می‌رسند و دوزخیان از روی آن در دوزخ می‌افتند.

﴿وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ۖ ثُمَّ نُنْجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ۖ﴾ [مریم: ۷۱-۷۲].

«همه شما - انسان‌ها بدون استثناء - وارد دوزخ می‌شوید - مؤمنان برای عبور و دیدن و کافران برای دخول و ماندن - این قضیه از سوی پروردگارتان امری حتمی و فرمانی قطعی است، سپس پرهیزکاران را نجات می‌دهیم و ستمگران را خار و ذلیل در آن رها می‌سازیم».

دار عذاب

۷۷- و همچنان ایمان داریم به اینکه خداوند دوزخ را برای کافران دار عذاب و جایگاهی دائمی آفریده است، و اما کسانی که گناهانشان بر نیکی‌هایشان غالب آید، بشرطی که مؤمن باشند بطور موقت تا زمانی که عدالت خداوندی تقاضا کند در آن میمانند و سپس بیرون خواهند آمد، و همچنان ایمان داریم که عذاب دوزخ بر ارواح و اجساد، همزمان خواهد بود.

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ﴿١٠٦﴾ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿١٠٧﴾﴾ [هود: 106-107].

«و اما کسانی که بدبخت شدند همه را در حالی که آه و ناله حسرت می‌کشند در آتش دوزخ درافکنند تا آسمان‌ها و زمین باقی است - تا دوزخ دوزخ است - همیشه در آن خواهند ماند مگر آنکه پروردگارت بخواهد - نجاتشان دهد - که البته پروردگار تو - با قدرت کامله و حکمت بالغه خویش - هر چه بخواهد می‌کند».

و در حدیث حضرت انس رضی الله عنه آمده است که گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «يُخْرَجُ مِنَ النَّارِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَكَانَ فِي قَلْبِهِ مِنَ الْخَيْرِ مَا يَزِنُ شَعِيرَةً، ثُمَّ يُخْرَجُ مِنَ النَّارِ مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَكَانَ فِي قَلْبِهِ مِنَ الْخَيْرِ مَا يَزِنُ بُرَّةً، ثُمَّ يُخْرَجُ مِنَ النَّارِ مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَكَانَ فِي قَلْبِهِ مِنَ الْخَيْرِ مَا يَزِنُ ذَرَّةً»^۱. (کسی که لا اله الا الله بگوید و به اندازه، یک «دانه جو» ایمان در قلبش باشد از دوزخ بیرون می‌آید و کسی که لا اله الا الله بگوید و به اندازه یک «دانه گندم» ایمان در قلبش باشد از دوزخ بیرون می‌آید و کسی که لا اله الا الله بگوید و به اندازه یک «ذره» ایمان در قلبش باشد از دوزخ بیرون می‌آید).

﴿كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ﴾ [النساء: 56].

«هر بار که پوست بدنشان بسوزد و بریان شود آن را به پوست دیگری تبدیل خواهیم کرد تا اینکه - مکرراً - عذاب بچشند».

بهشت یا دار نعمت‌ها

۷۸- ایمان داریم به اینکه خداوند بهشت را دار نعمت‌ها و لذتها، و جایگاهی برای مؤمنان آفریده، کما اینکه داخل شدن به بهشت و لذت بردن از نعمت‌هایش بر کافران حرام بوده و نعمت‌های آن صرفاً برای شاد کردن روح و جسد مؤمن آفریده شده است، بزرگ‌ترین و کامل‌ترین نعمت بهشت، رضوان و خشنودی پروردگار مهربان است.

۱- صحیح مسلم، حدیث شماره (۱۹۳).

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا ففَى الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرٌ مَّجْذُودٍ﴾ [هود: 108].

«و اما کسانی که خوشبخت شدند تا زمانی که آسمان‌ها و زمین قائم باشد همیشه در آن خواهند ماند مگر پروردگارت بخواهد، این پاداشی است پایان ناپذیر».

﴿قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ [الأعراف: 50].

«گفتند: محققاً خداوند آن‌ها - آب و روزی - را بر کافران حرام گردانیده است».

﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [الطور: 19].

«بسبب اعمالی که انجام می‌دادید بخورید و بیاشامید گوارای جانتان باد».

﴿وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: 72].

«خوشنودی - خداوند بزرگ‌تر است - همین است کامیابی بزرگ».

﴿سُبْحَنَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٨٢﴾ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨٣﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ﴾ [الصفات: 180-182].

«پروردگار مقتدرت از آنچه مشرکان او را بدان توصیف می‌کنند پاک و منزّه است

درود و سلام بر پیامبران باد، و ثنا و ستایش ویژه آن خدایی است که پروردگار عالمیان است».